



دوره هفتم ، سال دوم ، شماره ۳۸۰۵
پنجشنبه ۶ آذر ۱۳۵۹ ، مطابق با
۱۸ محرم ۱۴۰۱ ، بها : ۱۵ ریال

ستم به خلق عراق ، تجاوز به خلق ایران : دوروی یکسکه

زمانیکه لشکریان رژیم جنایتکار صدام حسین از مرز ایران عبور کردند و آبهای آلوده را با خون فرزندان دلیبر انقلاب ایران ، گلگون ساختند ، خرمشهر را به خون شهر بدل کردند و در خاک کردستان ، جویهای خون برافشانند ، در درون عراق نیز مدتها از یورش سفاکانه شکنجه گران دامنه مردم مبارز عراق و کشتار جمعی مبین گذشت .
هنگامیکه صدام حسین با یاری مزدوران ایرانی خویش ، یکی پس از دیگری و از همان روزهای پیروزی انقلاب ایران ، دامهای خویشی بر سر راه انقلاب ایران می نهاد و مردم انقلابی ایران را به خاک و خون می کشید ، مردم عراق نیز علیه زورگوشی **بقیه در صفحه ۲**

در دفاع از آزادی ، به دام لیبرال هانیفتیم

اسلامی ایران قرار بگیرد ، به میدان آمدن لیبرالها با تمام زرادخانه ، بمثابة نمایندگان سیاسی و فکری سرمایه داری وابسته و کلان زمین داری و طرفداران

در دوران دشواری که رژیم جنایتکار صدام به اشاره و حمایت امپریالیسم جهانی ، بر کردگی آمریکا ، بکثرت ما حمله کرده و انواع مشکلات موروث رژیم مغفور طاغوت و مولود خرابکاری ضد انقلاب و جنگ تحمیلی دامنگیر مبین ما شده و انقلاب و نظام انقلابی ما در خطر قرار گرفته ، در چنین اوضاع و احوالی که هر ایرانی واقعا انقلابی و مبین دوست باید مسائل فرعی را کنار بگذارد و یکدل و یکجان در صف دفاع از انقلاب و جمهوری

سازش با امپریالیسم و بازگشت به قس اسارت خلق ، امر غیرمنتظره ای نبود . ولی غیرمنتظره و تاسف آواراست اگر گروهها ، نیروها و افرادی که بر حسب زادگاه اجتماعی و سوابق مبارزاتی و سرشت مردمی خود اصولا باید در سنگر خلق باشند ، در این گرد و خاک «ایوای آزادی» راه را گم کنند و یکوقت چشم بازکنند و خود را در کنار لیبرالها ببینند ، و بمراتب تاسف آورتر خواهد بود **بقیه در صفحه ۲**

در ادامه جنگ عادلانه با مزدوران صدام

نیروهای انقلاب ضربات شکننده ای بر دشمن متجاوز وارد آوردند

* مزدوران صدام تا چندین کیلومتری حاشیه جاده آبادان - ماهشهر عقب نشینی کردند .
* در عملیات نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران ، مخازن پتروزین هوایی دشمن با ظرفیت ۱ میلیون پشکه به آتش کشیده شد .

رزمندگان می دفاع جمهوری اسلامی ایران تیرد بر آمان خود علیه مزدوران صدام را در تمام جبههها ادامه می دهند . در همین زمینه ، صدای جمهوری اسلامی ایران گزارش داد ، ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران طی اطلاعیه ای فعالیت های خلبانان نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران را به این شرح اعلام کرده است :
خودروهای نظامی و ماشین آلات سنگین راه سازی نظامی و ساختمان های نظامی دشمن منهدم و تخریب شد . در حمله به پادگان صلاح الدین در شمال شرقی اربیل یک چادر بزرگ که در داخل آن هلی کوپترهای عراقی استار شده بود منهدم شد . در حمله به پایگاه کرکوک ، تعدادی واکن حامل مهمات و ۹ مخزن پتروزین هوایی با ظرفیت بیش از یک میلیون پشکه همراه با تلمبه خانه های مربوطه ، انبارهای تدارکاتی پایگاه و تعدادی هواپیمای نظامی که در روی باند پارک شده بود بکلی منهدم شد . به یکی از پادگانهای غرب سلیمانیه نیز حمله شد ، و انبار **بقیه در صفحه ۲**

تحکیم مبانی همکاری ایران با کشورهای عضو جبهه پایداری به استحکام بین المللی ایران کمک می کند

دشمن عمومی خود تریک مساعی کند .
باید گفت که بویژه کشور های عضو «جبهه پایداری» ، با متانت و پیگیرانه از سیاست مبارزه علیه امپریالیسم و صیونیسم پیروی میکنند و آماده اند دیگر کشورها را ، که بمبارزه علیه همان دشمنان مشغولند ، مسورد پشتیبانی قرار دهند . اعضای «جبهه پایداری» همچنین بنحوی مستمر علیه سیاست تسلیم آمیز سادات و خوش رقصی وی در برابر واشنگتن و تل آویو اقدام می کنند ، زیرا چنین روشی باعث میشود که امپریالیسم آمریکا دشمن عمومی خود تریک مساعی کند .
باید گفت که بویژه کشور های عضو «جبهه پایداری» ، با متانت و پیگیرانه از سیاست مبارزه علیه امپریالیسم و صیونیسم پیروی میکنند و آماده اند دیگر کشورها را ، که بمبارزه علیه همان دشمنان مشغولند ، مسورد پشتیبانی قرار دهند . اعضای «جبهه پایداری» همچنین بنحوی مستمر علیه سیاست تسلیم آمیز سادات و خوش رقصی وی در برابر واشنگتن و تل آویو اقدام می کنند ، زیرا چنین روشی باعث میشود که امپریالیسم آمریکا

راديو مسكو در بخش فارسی خود در روز ۴ آذر ۵۹ در برنامه «در جهان امروز» تفسیر مهمی زیر عنوان «مبارزه با امپریالیسم و صیونیسم» بخش کرد .
در این تفسیر ، ضمن اشاره به سفر حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی ، رئیس مجلس شورای اسلامی ایران ، به برخی از کشورهای عضو جبهه پایداری عرب ، از جمله ، چنین گفته شده است :
«تطلب بر سر چشم انداز همکاری گسترده و نزدیک میان ایران و کشورهای عرب عضو جبهه پایداری» در مبارزه علیه امپریالیسم و صیونیسم است .
باید متذکر شد که برای برقراری یک چنین همکاری امکانات بسیار مساعدی وجود دارد .
امپریالیسم و صیونیسم دشمن عمومی مردم ایران و ملت های کشورهای عرب هستند . امپریالیسم ، با اتکا به نیروهای مسلح خود مستقر در خاور نزدیک و میانه ، که به تعدادشان افزوده است و با اتکا به اسرائیل و رژیم خانی سادات تلاش میکند ، نه تنها کشورهای منطقه عربی خاور میانه ، بلکه ایران را نیز تحت نظارت نواستعمارگرانه خود در آورد . در چنین شرایطی سیر حوادث ایجاب میکند که ملت های ایران و کشورهای عرب برای مبارزه علیه

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در مجلس سوریه گفت :

این جنگ در اثر به خطر افتادن منافع آمریکا و صدام است

محمود حدیده ، رئیس مجلس سوریه :
ملت و دولت سوریه همیشه در کنار انقلاب اسلامی ایران خواهند بود

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی ، رئیس مجلس شورای اسلامی ایران ، در دیدار خود از سوریه ، در مجلس این کشور حضور یافت و در جلسه علنی مجلس ، مواضع جمهوری اسلامی ایران را برای نمایندگان تشریح کرد . حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی ، از جمله گفت :
«متاسفم در این شرایط که لازم بود . در چنین جلسه ای درباره میزان کیفیات جنگ با اسرائیل و آمریکا بحث کنیم مقداری از وقت خود را مصرف جنگ میان دو کشور اسلامی کنیم . وی سپس به تشریح عوامل بروز جنگ عراق با ایران پرداخت و گفت : «چرا صدام این جنگ را با شاه شروع نکرد ؟ مگر شاه معدوم چه چیزی **بقیه در صفحه ۲**

الف : عملیات بیرون مرزی

در حمله به تاسیسات فرودگاه «سرسین» در شمال عراق تیمی از تاسیسات و تعداد زیادی از

اطلاعیه سپاه پاسداران سیستان و بلوچستان : سازمان جاسوسی ضیاء الحق ۵ پزشک پاکستانی را که برای کمک به صدام و مان جنگ به ایران می آمدند دستگیر کرد و به شکنجه گاد فرستاد

* آیا جز این است که حکومت آمریکائی ضیاء الحق بطور غیر مستقیم ، بدستور ارباب جنایتکارش کارتر به یاری صدام شتافته است ؟

دولت پاکستان ۵ پزشک پاکستانی را ، که برای کمک به مصدومین جنگ به ایران می آمدند ، دستگیر کرد و به شکنجه گاه فرستاد .
این ۵ پزشک هنگامی که با خیر شدند گروهی از دانشجویان انجمن اسلامی حیدرآباد هندوستان با مقدار زیادی کمک داروئی از طریق پاکستان روانه ایران هستند به مأموریت از جانب انجمن امامیه لاهور به آنها پیوستند

بقیه در صفحه ۲

آیت الله دکتر بهشتی :

جنگ ایران و عراق جنگ با امپریالیسم جهانی است

* نظریات آیت الله دکتر بهشتی در مورد راههای مقابله با توطئه های دیگر امپریالیسم آمریکا دولت باید با استفاده از کارشناسان دلسوز برنامه های دراز مدت انقلابی به مورد اجرا گذارد .

آیت الله دکتر بهشتی رئیس دیوان عالی کشور دیروز در یک مساجه مطبوعاتی ضمن اشاره به جنگ تحمیلی رژیم صدام حسین علیه انقلاب ایران تاکید کرد که :
«این جنگ ، جنگ با امپریالیسم جهانی است . وی همچنین در مورد چگونگی مقابله در برابر دیگر توطئه های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران به لزوم ارائه برنامه های دراز مدت برای نو سازی جامعه ایران و فدا تر شدن سیاست خارجی ایران اشاره کرد .
آیت الله دکتر بهشتی در مورد جنگ تحمیلی رژیم صدام حسین علیه انقلاب ایران ضمن تاکید

نیکاراگوئه مستقل و آزاد

مصاحبه ای با توماس بورخه مارتینز ، وزیر کشور نیکاراگوئه و عضو «رهبری ملی جبهه ساندینیست برای آزادی ملی»
صفحه ۲

کارگران ارج به وظایف انقلابی خود عمل می کنند !

روستای کاجان در نزدیکی تهران
گذری به روستا - صفحه ۵

در صفحات بعد

«پرسش و پاسخ»
(۲)
نورالدین کیانوری
بررسی مسائل
مهرمروز
صفحه ۶

دولت ژاپن: دوست آمریکادار منطقه خلیج فارس

پس از آغاز جنگ تحمیلی دارودسته صدام حسین علیه جمهوری اسلامی ایران، دولت کاتر، به بهانه آنکه عبور آزاد کشتی‌های بین‌المللی از تنگه هرمز در خطر است، کشورهای غربی، از جمله ژاپن، را فرا خواند تا مشترکاً ناوگان برای تأمین آزادی کشتی‌رانی به منطقه خلیج فارس گسیل دارند.

علیرغم این واقعیت که دولت جمهوری اسلامی ایران بلافاصله پس از شروع جنگ اعلام داشته بود، که قصد بستن تنگه هرمز را ندارد، دولت آمریکا بدین ترتیب میخواست که، از یکسو، بر تمرکز بر سابقه نیروهای دریایی خود در خلیج فارس دوباره بیافزاید و، از سوی دیگر، همقطران امریالیستی خویش را نیز پیش از پیش در ماجراجویی‌های خود در منطقه شرکت دهد.

دولت ژاپن در برابر اعتراض برخی از نمایندگان «دیت» (پارلمان ژاپن)، مبنی بر مفایرت شرکت ژاپن در این «ناوگان بین‌المللی» با قانون اساسی آن کشور، از زبان مدیر «دایره آمریکایی شمالی» وزارت خارجه ژاپن، در پارلمان اعلام داشت:

«شرکت ژاپن در تأمین مالی ناوگان بین‌المللی با قانون اساسی ما مبادی ندارد» (۳۰ مهر ۱۳۵۹).

یکروز پیش از آن، مدیر کل «دایره دفاع» اعلام کرده بود:

«برای «نیروهای دفاع از خود ژاپن» دفاع از آبراه‌های دور چندان آسان نیست. لیکن ما این موضوع را از جهات گوناگون بررسی میکنیم. از جمله باید همکاری با کشورهای دوست و شرکت در هزینه‌های آنها را در نظر داشت.

روزنامه «آکاهاتا» (ارگان حزب کمونیست ژاپن)، با اشاره به گفته‌های بالا، در سرمقاله‌ای (۲ آبان ۱۳۵۹) زیر عنوان «تجدید نظر نامحدود در قانون اساسی از طریق سوء تعبیر»، نوشت:

«ما هیچگاه نمیتوانیم چنین اظهاراتی را نادیده بگیریم. حتی خود دولت لیرال دمکرات هم تاکنون ادعا نداشت که مفاد قانون اساسی، «دفاع» از مناطق دوردست را نیز دربر میگیرد. چنین ادعایی حتی از حدود «قرارداد امنیت ژاپن - ایالات متحده» هم متجاوز است.

«آکاهاتا» هشدار داد که ظاهراً دولت قصد دارد با این سوء تعبیرها «مقدمات تجدید نظر در قانون اساسی و «قرارداد امنیت» را فراهم آورد».

در این زمان که امریالیسم آمریکا بخشی از توطئه براندازی علیه جمهوری اسلامی ایران را از راه حضور نظامی خود و متحدینش در خلیج فارس و آبهای نزدیک به آن به انجام میرساند، موضع گیری کمونیست‌های ژاپنی حمایتی است از نبرد مردم ایران و از انقلاب، به آنکه درگیر جنگ تحمیلی امریالیستی آمریکا - صدام است.

ستم به...

ما و سفاکیهای مزدوران صدامی به مقاومت و اعتراض برخاسته بودند. صدام حسین و گروه‌های خونخوارش، بیش از ویران کردن خانه و کاشانه مردم کشور ما، خانه و کاشانه کردهای عراق را بر سرش نوردیدند و ساخته بودند و میهن‌دوستان و آزادیخواهان عراق را روانه زندانها و شکنجه‌گاهها و میدان‌های اعدام کرده بودند.

سیاست داخلی یک رژیم با سیاست خارجی آن ارتباط لاینفک دارد. رژیم محمدرضای مغفورین در دوران اوج قدرت خویش، زمانی به ژاندارم منطقه پستل گردید و لشکریان جنایتکار خویش را برای سرکوب میهن‌دوستان و آزادیخواهان طغیان‌گر کمک قبوس فرستاد، که در داخل و علیه مردم رنج‌دیده ایران، وحشیانه‌ترین و نفس‌گیرترین جو خفقان را پدید آورده و شکارچیان انسان را بر تمامی زوایای زندگی اجتماعی حاکم ساخته بود.

چرخش عراق در سیاست خارجی علیه کشورهای مترقی و انقلابی و در جهت هماهنگی با کشورهای

ارتجاعی و دست‌نشانده، علیه جبهه پایداری و مسود رژیمهای وابسته عرب، در زمانی رخ داد که این رژیم در داخل کشور نیز به یورش وحشیانه برای قلع و رقع نیروهای میهن‌دوست و آزادیخواه سرکوب مردم زحمتکش دست‌زده بود و برای تحکیم و تقویت موقعیت متزلزل خود، جبهه نیروهای ضد امریالیست را مورد حمله قرار میداد و در جهت محسوس دمکراسی و خاموش کردن هر صدای حق‌طلبی گام برمیداشت.

نزدیکی رژیم صدام با رژیم دست‌نشانده شاه ملعون در ایران، که با توافقنامه ۱۹۷۵ رسمیت یافت، دست آنها در سرکوب و کشتار کردهای آزادیخواه عراق بازگذاشت و به صدام حسین امکان داد که اندک‌اندک تمامی قدرت را در دست خود متمرکز سازد و با سرکوب وحشیانه نیروهای میهن‌دوست و آزادیخواه در داخل و ستمگری ارتجاعی در سیاست خارجی، هدفهای خائنانه خود را انبیش برسد.

رژیم صدام درست کسی پس از تیرباران ۳۱ کمونیست میهن‌دوست در عراق و دهی پیروزی انقلاب ایران، بر مداخلات خود در امور داخلی ایران بمنظور تضعیف جمهوری اسلامی ایران، افزود و میوازات گسترش اختناق در داخل کشور، این مداخلات را گسترده‌تر و آشکارتر ساخت.

صدام حسین تا آنجا پیش رفت که حتی مخالفین خویش در رهبری حزب بعث عراق را نیز به جوخه تیرباران سپرد و همه مبارزان، هم از کمونیست و همی و مسلمان را، تنها به دلیل مخالفت یا سیاستهای ضد خلقی خویش، مبدورالدم اعلام کرد.

تجاوز نظامی رژیم صدام حسین به ایران زمانی صورت گرفت که صدام حسین همچون رژیم شاه منظور ایران هنگام یورش به انقلاب طغیان، در اوج قدرت و در واقع در انزوای کامل بسر میبرد از هیچ قسوتی علیه مبارزان

و میهن‌دوستان و آزادیخواهان عراقی فروگذار نمیکرد.

پرتاب موشکهای مغرب زمین به زمین به شهرهای کشور ما و کشتار مردم بی‌دفاع و غیرنظامی مناطقی که جنایتکاران صدامی بر آن دست می‌یابند، اعمالی که حتی از نظر قوانین جنگ نیز، محکوم و مطرود است، ولی همچون دیگر قوانین جامعه بشری، توسط دشمنان بشریت همواره زیر پا لگدمال شده است، ادامه طبیعی یروخورد وحشیانه و جنایتکارانه رژیم صدام با مبارزان عراقی است، روی دیگر سکه اجرای روشهای قرون وسطایی علیه زندانیان سیاسی و آزادیخواهان و میهن‌دوستان ضد صدامی است.

اما صدام حسین نیز همچون تمامی دیکتاتورهای خونریز تاریخ، که تصور میکردند هرچه جویهای خون چوشتار و هرچه گورستانها وسیعتر گردد، دوام عمر و قدرت آنها قوتورتر خواهد بود، یغظا می‌رود، هم اکنون در عراق، که همچون دوران پادشاهی زندگی حکومت‌شاه ملعون، خون کمونیستها و مسلمانان در هم گره می‌خورند، جبهه مقاومت علیه این دیکتاتوری خون‌آشام گسترده‌تر میشود و ندای مرگ رژیم صدام را بر عراق می‌گستراند. وقتی صدام حسین به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران یورش می‌آورد و موشکهای ۹ متری خود را به سوی شهرهای کشور ما، پرتاب میکند، شاید همچون هیتلر، بهنگام فروختن آتش جنگ دوم جهانی، می‌اندیشید: «وقتی بیروز شوم، کسی از ما ستوالی نخواهد کرد!» اما او نیز مانند هیتلر و دیگر جانوران زائیده سرمایه‌داری، گورخود را می‌کند. آن جنایات و آن فجایع هم اکنون نفرت افکار عمومی را علیه رژیم صدام پرتانگیزه است.

سرنوشت صدام از سرنوشت محمدرضای مغفور و دیگر اسلاف این طایفه انسان‌نمای دشمن بشر، بهتر نخواهد بود.

این جنگ در اثر...

داشت که حکومت جمهوری اسلامی ندارد؟ اگر کسی بیندیشیم و ببینیم با پیروزی انقلاب اسلامی چه چیزی در ایران آغاز شده است، جواب این سؤال را در خواهیم یافت.

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی افزود:

«شما میدانید که ایران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ما مرکز توطئه علیه کشورهای مترقی اسلامی مانند سوریه، الجزایر، لیبی و سازمان آزادیبخش فلسطین و تمام نهضت‌های آزادیبخش بوده و ولی حکومت اسلامی با فرعون جدید مصر که توطئه امریکایی-اسرائیلی آن جنایت بزرگ را علیه برادران مسلمان انجام داد و قطع رابطه کرد و درگیری انقلاب اسلامی با آمریکا نیاز به توضیح ندارد. هیچ کشوری مثل ما تاکنون پنجه در پنجه آمریکا نیانداخته و به حیثیت آن در جهان لطمه‌ای نزده است».

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی سپس گفت:

«پس بطور میشود صدام حسین که پادشاه خوب رفتار میکرد از همان ماههای اول انقلاب بر علیه ما به توطئه‌چینی دست بزند و بر علیه کشور اسلامی ما وارد جنگ شود، بطور شد که صدام و آمریکا و عمال آمریکا در منطقه علیه ایران متحد شدند؛ عوامل جنگ را باید در آنجا جستجو کرد. در به خطر افتادن منافع آمریکا در منطقه، چون دیگر نفت خلیج فارس آن تضمین را ندارد تا بهر قیمتی که آنها بخواهند به غرب برود پس این جنگ در اثر به خطر افتادن منافع آمریکا و صدام است و با به خطر افتادن منافع مشترک صدام و آمریکا و ارتجاع در منطقه تمام این نیروها در یک صف قرار گرفته و علیه انقلاب اسلامی فعالیت میکنند. آمریکا هرچه را که میتوانست به صورت مخفی و آشکار در اختیار عراق گذاشته به صورتی که آواکس‌های امریکایی در عربستان بنفع عراق کار میکنند و اردن را شما ملت سوریه بهتر می‌شناسید که هیچوقت تاکنون بنفع ملت مسلمان کاری انجام نداده است و اکنون علیه انقلاب اسلامی ایران فعالیت میکند. ستون تدارکات از بندر عقبه و کویت به عراق سرازیر میشود و لذاست که حمایت‌های امریکا را به عراق در این جنگ بوضوح میتوان دید. شما در کدام جبهه فعالیت امریکا را علیه یک کشور اینقدر سریع می‌بینید؟»

نیروهای انقلاب...

تانهک، یک خودرو، ۱ کامیون و ۱ تریلر را منهدم کنند و سرنشینان آنها را به هلاکت رسانند. این برادران پس از انجام عملیات سالم به پایگاه خود بازگشتند.

خبرنگار خبرگزاری پارس ساعت ۱۲ دیروز از خط مقدم جبهه آبادان گزارش داد بر اثر آتش شدید توپخانه صدامیان انقلاب، مزدوران عراقی مواضع و تجهیزات نظامی سنگین خود را تفسیر داده و تا چند کیلومتر از حاشیه جاده آبادان - ماهشهر عقب‌نشینی کردند. بر اساس همین گزارش توپخانه ارتش دیروز در طول جبهه‌های آبادان مواضع دشمن را زیر آتش قرار دادند، همچنین گروهی از رزمندگان انقلاب با استفاده از سلاحهای سبک عده زیادی از مزدوران صدام را به هلاکت رسانندند.

بقیه از صفحه ۱

مهمات دشمن و تعدادی خودرو منهدم گردید. در حمله به مواضع موشک سامبا و نیز منابع نفتی در جنوب غربی کرکوک یک پاسکگه در همین ناحیه سندرصد نابود شد. در حمله به یک تلمبه‌خانه در غرب عراق و یک پل ارتباطی در این منطقه حدود ۵۰٪ خسارت وارد آمد. پالایشگاه الفتح عراق نیز مورد حمله قرار گرفت و خساراتی به آن وارد آمد. از میزان خسارات اطلاعات مشخصی در دست نیست. در محور علی غربی به کویت در شرق عراق به تعداد ۵ دستگاه کامیون حامل حدود ۱۰۰۰ گالون روغن آتش‌زنه صحرائی خساراتی وارد شد. همچنین تجمع دشمن در نوار مرزی شمال بصره مورد حمله قرار گرفت و تلفاتی به آنان وارد شد که میزان آن مشخص نشده است.

ب: عملیات درون مرزی

در محور حلفایه - بسطام ۱۰ خودرو، تقریباً و جیب و ۲ دستگاه تانک دشمن منهدم شد و به نیروهای دشمن در شمال غربی خسروآباد خساراتی وارد آمد. همچنین نیروهای متجاوز عراقی در شمال و شمال شرقی خونین‌سهر هدف گلوله‌های جنگنده‌های جمهوری اسلامی ایوان قرار گرفتند و خساراتی به آنان وارد آمد.

خبرنگار دفتر مرکزی خبر نیز به نقل از استانداری ایلام گزارش داد، که ساعت ۱۱ دیروز بعد از ظهر در اثر حمله هوایی - های عراقی به روستای سراب‌باغ در استان ایلام ۴ نفر از اهالی شهید و ۱۱ نفر مجروح شدند. همچنین در اثر پرتاب موشک ۳۲ خانه مسکونی در این روستا ویران شده است.

سختگویی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران نیز گزارش داده است که گروهی از پاسداران رزمنده انقلاب با نفوذ به قلب دشمن و مین‌گذاری در مواضع و تجهیزات آنها موفق شدند ۲

کمک مالی به حزب توده ایوان یک وظیفه انقلابی است

علاقتمندان می‌توانند کمک مالی خود را به حساب بانکی به نام تقی کرمش و به شماره ۳۲۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین قاضی بپردازند.

زیادی از مسزودان صدام در جبهه‌های کانی سخت، شورشی‌ترین و گیلان‌غرب به هلاکت رسیدند و چندین موضع و سنگر آنان نابود شد. همین مقام افزود «در دشت زهاب بر اثر شدت آتش توپخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران و عملیات چریکی رزمندگان اسلام، قوای دشمن در چند موضع حساس عقب‌نشینی کرده است».

وضع پل رازی رشت خطرناک است

وضع پل رازی، واقع در انتهای خیابان سردار جنگل رشت بسیار خطرناک است و از آنجا که روزانه تعداد زیادی دانش‌آموز و افراد متفرقه از روی این پل عبور می‌کنند، بر مسئولین امر است که هرچه زودتر نسبت به تعمیر آن اقدام کنند.

پل رازی، که در منطقه پر رفت و آمدی قرار دارد، چندی پیش فروریخت، ولی خوشبختانه ریزش آن زمانی انجام گرفت که کسی در حال عبور از پل نبود. اکنون مدتی است که مسئولین به ساختن پل اقدام کرده‌اند. لیکن کار ساختمان پل به دلایل مختلف به کندی پیش می‌رود. از آنجا که در حال حاضر این پل را قطعاتی از تخته و چوب و میخ بهم مربوط می‌سازد، و با این وجود روزانه تعداد زیادی از مردم بالاچار از روی آن عبور می‌کنند، بر مسئولین مربوطه است که هرچه زودتر پل مطمئن در این محل احداث کنند.

نیکار اگوئه مستقل و آزاد

پروشی: ما نیکار اگوئه بورژوازی را می‌پسندیم
کمیونیکه‌ها را می‌پسندیم و عضو رهبری ملی می‌شویم
مستقلیت برای آزادی ملی



خلق که اسپر
دیکتاتوری سوموزا بود

های توده‌ای، مانند "کانون ساندینیست زحمتکش"، را تشویق کنیم. برای پیشبرد این هدف، شرایط بسیار مساعد است. "کمیته هماهنگی سندیکاها" از پیشنهاد ما درباره ایجاد یک کانون واحد برای فعالیت پستیانی می‌کند. ما همچنین برای فعالیت جوانان ساندینیست - ۱۹ ژوئیه و "اتحادیه کارگران روستایی" اهمیت فراوان قائل هستیم. چندی پیش "اتحادیه کودکان ساندینیست" نیز تاسیس یافت.

ما به همه این اتحادیه‌ها به عنوان حلقه‌ها پیوند میان پیشاهنگ و توده‌ها می‌نگریم. در این گستره، "کمیته‌های دفاع ساندینیست" مقامی ویژه دارند. این کمیته‌ها، از یک سو، مشی سیاسی "جبهه ساندینیست برای آزادی ملی" را به میان مردم می‌برند و از سوی دیگر، امیدها، انتظارات، عقاید، نگرانی‌ها، خواست‌های

پروشی: در مطبوعات جهان، انقلاب نیکار اگوئه به گونه‌هایی بس مختلف ارزیابی می‌شود. نظر شما درباره ساندینیست‌ها چیست؟
بورژه: ما انقلاب نیکار اگوئه را به مثابه انقلابی دمکراتیک، ضد امپریالیستی و خلقی ارزیابی می‌کنیم. انقلاب ما به خودکامی پایان داد. در این انقلاب توده‌های وسیع خلق از طریق سازمان‌های اجتماعی شرکت کردند. کشور ما به استقلال سیاسی نایل شد و خلق ما اینک سرنوشت خویش را به دست گرفته است. از این پس ایالات متحده آمریکا را نه عنوان آقابالاسر قبول داریم و نه عنوان ارباب. انقلاب ما راه همچنین نمی‌توان انقلابی کشاورزی خواند، چه یکی از هدف‌های انقلاب آن است که مناسبات تولیدی را در روستا دگرگون سازد.



خلق که زیر رهبری ساندینیست‌ها آزاد شده است

فعالان در راه صلح جهانی، تنش‌زادایی بین‌المللی و تصویب هرچه زودتر قرارداد "سالت ۲"، که بی‌شک به بهبود اوضاع بین‌المللی منجر خواهد شد، مبارزه می‌کنیم. برای "جبهه ساندینیست برای آزادی ملی" همزیستی مسالمت‌آمیز به هیچ‌روی به معنای قبول امپریالیسم و ستم اجتماعی نیست. ما معتقدیم که خلق‌ها حق آن را دارند، تا با دست‌بازی به روش‌ها و اشکال گوناگون مبارزه، از جمله پیکار مسلحانه، در راه آزادی خود بزرزند. این ساندینیست‌ها بودند که جنگ بارتیزانی را علیه استبداد شروع کردند و صلح را استقرار بخشیدند. دیگر خلق‌های آمریکای لاتین نیز این توانایی را دارند که دستگاه اختناق طبقاتی استثنائی را در هم شکنند و دمکراسی خلق را برقرار سازند. آنها نیز از این راه به صلح جهانی، تنش‌زدایی و نبرد ضد امپریالیستی کمک خواهند رساند.

مشخص و پیشنهادهای سازنده و انتقادی سکه را به آگاهی رهبری می‌رسانند. البته مامیکوشیم تا "ارتش ساندینیست خلق"، "میلیس ساندینیست خلق"، "پلیس ساندینیست ملی" و ارگان‌های امنیتی را نیز، که برای مقابله با جنایتکاران و دسیسه‌های ضد انقلابی پدید آمده‌اند، تحکیم بخشیم.

پروشی: برخی "نیکار اگوئه شناسان" معتقدند که کشور شما تنها هنگامی به دگرگون‌سازی‌های مترقی موفق خواهد شد که رهبری آن در گستره اقتصادی در قبال بورژوازی سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز را اختیار کند. نظر شما در این باره چیست؟
بورژه: ما به تجربیات آن بخش از بورژوازی نازمندیم، که حاضر است به افزایش تولید کمک کند. اینجا مسئله "همزیستی" چندان مطرح نیست، بلکه صحبت بر سر ایجاد اقتصادی مختلط است، که ضرورت آن از شرایط ویژه کشور ما سرچشمه می‌گیرد.

امروزه ما وظیفه خود می‌دانیم که از قدرت انقلابی ساندینیست پاسداری کنیم و آنرا تحکیم بخشیم. "برنامه اضطراری و بازسازی ۱۹۸۰ به سود خلق" ("برنامه ۸۰") را جامعه عمل پوشانیم به متمیق روند دگرگون‌سازی‌های ریشه‌ای بپردازیم، شرایط زندگی زحمتکش را بهبود دهیم، بر افتخارات مبین خویش بیافزاییم و نمونه‌ای از مکرسی، عدالت و همبستگی باشیم. فزون بر این، ما خواهیم کوشید تا به استقلال ملی کامل دست یابیم، پیشرفت اقتصادی را شتاب بخشیم و به روزی خلق را فزون‌تر سازیم. انقلاب ساندینیستی، مانند هر انقلاب خلقی راستین و به عنوان تجلی قانونمندی - های تحول تاریخی، انقلابی است عمیقاً ملی. ما معتقدیم که تجربیاتمان در نبرد ضد امپریالیستی، در گذشته و در حال، و ابتکار انقلابی، شهامت و قهرمانی خلق ما، با اندیشه‌های آتوگوستو سزار ساندینو، مبین دوست‌سترگ نیکار اگوئه، و کارلوس فونسکا آمادور، یکی از پایه‌گذاران "جبهه ساندینیست برای آزادی ملی"، که در سال ۱۹۷۶ در نبرد با پیکان‌های "تنبیهی" سوموزا شهید شد، مطابقت دارد.

درجهان سوسیالیسم

افزایش درآمد واقعی سرانه در کشورهای سوسیالیستی

در سالهای گذشته درآمد واقعی مردم کشورهای سوسیالیستی افزایش فراوان یافته است. در این زمینه، همچنین باید یادآور شد که در بیشتر این کشورها حداقل دستمزد نیز بالا رفته است. جدول زیر روند افزایش درآمد واقعی سرانه برخی از کشورهای سوسیالیستی را در دهه‌های اخیر نشان می‌دهد:

کشور	واحد پول	۱۳۳۹	۱۳۴۴	۱۳۴۹	۱۳۵۸
بلغارستان	لو	۷۸/۳	۹۲/۴	۱۲۲	۱۷۱
کوبا	پسو	-	-	۱۱۶	۱۳۸
لهستان	زلوتی	۱۵۶۰	۱۸۶۷	۲۳۳۵	۴۴۰۸
رومانی	لئو	۸۵۴	۱۱۱۵	۱۴۳۴	۲۰۹۵
اتحاد شوروی	روبل	۸۰/۶	۹۶/۵	۱۲۲	۱۵۵/۲
مجارستان	فورنیت	۱۵۵۳	۱۷۲۷	۲۱۵۲	۳۳۶۷
چکسلواکی	کرون	۱۳۶۵	۱۴۹۳	۱۹۳۷	۲۴۴۴

درجهان سرمایه‌داری

۲۰ میلیون بیکار در ۲۴ کشور سرمایه‌داری

شماره بیکاران در کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی اینک به ۲۰ میلیون رسیده است. انتظار می‌رود که این شماره در سال میلادی آینده به ۲۳ میلیون افزایش یابد. برپیش از هفت میلیون نفری، که هفت سال پیش در شش کشور پیشرفته سرمایه‌داری در جستجوی کار بودند، اینک ۶/۵ میلیون نفر دیگر اضافه شده‌اند.

در سپتامبر (۱۰ شهریور تا ۸ مهر) امسال شماره بیکاران جمهوری فدرال آلمان ۸۵ هزار بیشتر از ماه مشابه در سال پیش بود. در سه ماه گذشته به شماره بیکاران بریتانیا ۲۵۰ هزار افزوده شده است. در سپتامبر امسال بیش از ۸ میلیون نفر در آمریکا بیکار بودند. در ایتالیا شماره بیکاران به مرز ۲ میلیون نزدیک می‌شود، و در فرانسه و ژاپن به زودی بترتیب ۱/۵ و ۱ میلیون نفر بیکار خواهند بود.

جدول زیر اطلاعات بیشتری در این باره بدست می‌دهد:

کشور	شماره	درصد	۱۳۵۸	شماره	درصد	۱۳۵۹ (تاکنون)
جمهوری فدرال آلمان	۲۷۲۰۰۰	۱/۱	۸۷۰۰۰۰	۳/۸	۸۸۰۰۰۰	۲/۹
ژاپن	۶۶۴۰۰۰	۱/۱	۱۱۷۰۰۰۰	۲/۱	۱۱۳۴۰۰۰	۲/۰
ایالات متحده	۴۳۰۴۰۰۰	۲/۹	۵۹۶۳۰۰۰	۵/۸	۷۲۱۰۰۰۰	۷/۰
آمریکا	۱۰۰۵۰۰۰	۵/۵	۱۶۹۸۰۰۰	۷/۷	۱۶۲۹۰۰۰	۷/۴
بریتانیا	۶۳۰۰۰۰	۲/۷	۱۳۰۷۰۰۰	۵/۸	۱۵۲۲۰۰۰	۶/۲
فرانسه	۳۹۴۰۰۰	۲/۰	۱۳۵۰۰۰۰	۷/۸	۱۳۹۳۰۰۰	۸/۱

سیاست اقتصادی "جبهه ساندینیست برای آزادی ملی" ترکیبی از سه شکل مالکیت را پیشنهاد می‌کند: مالکیت خصوصی، مالکیت مختلط و مالکیت اجتماعی. مالکیت اجتماعی، یا آنچه که ما مالکیت خلقی می‌نامیم، برپایه مصادره اموال سوموزا، همالگی‌های او و بورژوازی‌های او و ملی کردن مادن، جنگل‌ها و منابع آب متعلق به شرکت‌های خارجی پدید آمده است.

پروشی: ما نیکار اگوئه بورژوازی را می‌پسندیم کمیونیکه‌ها را می‌پسندیم و عضو رهبری ملی می‌شویم مستقلیت برای آزادی ملی

بورژه: اکثریت مطلق خلق ما قاطعانه و باید گفت، با شور فراوان از "جبهه ساندینیست برای آزادی ملی" و رهبران آن پشتیبانی می‌کند. ایزابل سرتی، از جمله احزاب محافظه‌کار و لیبرال، هرچند هنوز وجود دارند، ولی عملاً از صحنه سیاست ناپدید شده‌اند. برخی احزاب، مانند "حزب سوسیال مسیحی"، که نماینده اقلیت نازیبی از مردم هستند، تنها از پشتیبانی محافل ارتجاعی بهره‌مند می‌شوند. علاوه بر این، نیروهایی هستند، که در گذشته جز "مخالفتان سوموزا به شمار می‌رفتند. در این زمینه باید از "حزب لیبرال مستقل" و "حزب سوسیال مسیحی خلق" نام برد. در مورد "حزب سوسیالیست نیکار اگوئه"، باید گفت که یکی از گروه‌های آن هم‌اکنون به "جبهه ساندینیست برای آزادی ملی" پیوسته است. گروهی دیگر نیز با رهبری "جبهه" در حال مذاکره است و به احتمال قوی به‌زودی به ما ملحق خواهد شد. از این گذشته سازمان‌هایی هم هستند (مانند "جنبش دمکراتیک نیکار اگوئه") که به "جبهه ساندینیست برای آزادی ملی" انتقاداتی دارند. اما ما کوشش می‌کنیم که بر اختلافات موجود چیره شویم و، هرچا که امکان داشته باشد، از اختلاف تاکتیکی به هم‌بیمانی استراتژیک نائل گردیم. همه‌کس می‌داند که در کشور ما آزادی عقیده و ایمان حکمفرماست. تنها هواداران سوموزا و ضد انقلابیون، که می‌خواهند ما را به گذشته بازگردانند، از این آزادی محرومند. در مکرسی ما نه زورخانه است و نه دروغین. و در عین حال هیچ وجه مشترکی با دمکراسی "سوموزا" و همدست پاراگوئه‌ای او - "استروتر" - ندارد.

ما کوشش می‌کنیم که "جبهه ساندینیست برای آزادی ملی" را تحکیم بخشیم و بر پایه آن، یک حزب پیشاهنگ انقلاب را، که رهبری سیاسی توده‌های خلق را به عهده گیرد، پایه گذاریم. ما همچنین بر آنیم که فعالیت سازمان-

در کوره بزخانه‌های اطراف خرم آباد لرستان بی نصیب از هر چیز، اما امیدوار به انقلاب



اینجا هیچکس بیمه نیست

با توجه به گسترش فعالیت‌های ساختمانی در سطح کشور، کارگران کوره‌بازخانه‌ها سهم‌بزرگی در راه اندازی کارگاه‌های ساختمانی و تامین مواد اولیه مخصوص آجر برای این کارگاه‌ها را به عهده دارند. ولی متأسفانه کمتر به مسائل آنان رسیدگی می‌شود. چرا که اکثر آنان داشتن حقوق مکفی بیمه، بازنشستگی و... بی بهره‌اند. یکی از وظایف دولت رسیدگی به وضع کوره‌بازخانه‌ها و همکاری با کارگران این کوره‌ها در جهت رفع مشکلات آنان است. در رابطه با این مسائل به دو کوره آجری در اطراف خرم آباد سرزیم تا از نزدیک با مسائل آنها آشنا شویم:

کوره اول کوره‌ای است "دستی" که در آن ۹ نفر کار میکنند که از این تعداد ۳ نفر نزدیکان صاحب کوره و بقیه کارگران مزدبگیر هستند.

مزدی از صاحب کارگاه دریافت نمی‌کنند. کارگران دیگر این کوره روزانه بین ۱۵۰۰ الی ۹۰۰ ریال در ازای حدود ۱۲ ساعت کار دریافت میدارند. هیچ کدام بیمه نیستند و از هیچ‌جا مکان رفاهی و بهداشتی استفاده نمی‌کنند، چون که اصلاً چنین امکاناتی چه در این محل و چه در جاهای دیگر برای آنها وجود ندارد.

کوره دوم، کوره‌ای است در شمال غرب خرم آباد و از نوع کوره‌های موسوم به "فشاری" است. در این کوره حدود ۷۰ الی ۸۰ کارگر در شرایطی سخت و طاقت فرسا به کار مشغول هستند.

با کارگران که صحبت می‌کنیم اکثر آنها ضمن پشتیبانی از انقلاب خواهان رسیدگی به وضع خود از طرف مسئولین امور هستند. غلامرضا در مورد وضع خودش و انقلاب صحبت می‌کند: "من خشت زن هستم و هزاری کار می‌کنم یعنی برای هر هزاره ۹ تومان مزد می‌گیرم و ضمناً بیمه نیستم و اگر همین کار ردهم ببینم هیچ تا مینی برای درمان ندارم. از هفت صبح تا غروب آفتاب بطور یکنواخت کار می‌کنیم و مزد روزانه هم کفاف زندگیمان را نمی‌دهد."

غلامرضا در مورد انقلاب می‌گوید: "ما از اینکه انقلاب کردیم و رژیم خونخوار پهلوی را از زمین بریدیم خوشحالیم و خواست ما از دولت انقلابی تامین نیازهای مستضعفین است." نسی سیداحمد یکی دیگر از کارگران این کوره می‌گوید: "بیشتر مادران اینجا همیشه مریض هستیم و اطلاع ما رسیدگی نمی‌کنند. بیمه نیستیم، مجبوریم با پول ناچیز خودمان به دکتر برویم. شورا یا سندیکا هم نداریم و بنا بر این خواست هایمان همیشه نادیده گرفته می‌شود."

حسین یکی دیگر از کارگران ضمن کله‌سیار از وضع کارش در کارگاه، سازشکاران با آمریکا را دشمن انقلاب می‌داند و می‌گوید: "سازشکاران را باید

به نامهای مادی و سلطان مراد از ساعت ۶ صبح به اینجا می‌آیم و گل آماده می‌کنیم، بعد گل را قالب زده و خشت خام تهیه می‌کنیم و این کار را تا ساعت ۶ بعد از ظهر ادامه می‌دهیم. ما فقط ظهرها حدود نیم ساعت برای خوردن غذا استراحت می‌کنیم." او می‌گوید که به اتفاق فرزندانش روزانه حدود ۲۵۰۰ خشت می‌زنند و در ازای هر ۱۰۰۰ خشت حدود ۹۰۰ ریال مزد دریافت می‌دارد. از او پرسیدیم آیا با این درآمد از معده تامین مخارج زندگی برمی‌آیند، در جواب می‌گوید: "کار من فعلی است یعنی اینکه چینی را واسط پاشیز تا اواخر بهار به علت بارندگی امکان خشت زنی وجود ندارد، نتیجتاً در ایام بارندگی در شهر کار ساختمانی رومی‌ورم و چون در زمستانها معمولاً کار ساختمانی کم است بیشتر روزها

کارگران ارج به وظایف انقلابی خود عمل می‌کنند!

کارگران ارج با در دست گرفتن حفاظت کارخانه شور انقلابی خود را نشان دادند. در حال حاضر پاسداران ارج، که از کارگران آموزش دیده‌اند، حفاظت تمام سیسات کارخانه، یعنی اموال خلق را به عهده دارند. فعالیت نظامی کارگران به اینجا خاتمه نمی‌یابد. تا به حال ۲ دوره آموزش نظامی از طرف سپاه پاسداران تشکیل شده و در آن حدود ۸۰ نفر از مردان ۲۰ نفر از زنان شرکت کرده‌اند و هم‌اکنون یک گروه مقاومت ۲۲ نفری از کارخانه وظایف معموله را انجام می‌دهد. دوره سوم کلاس آموزش نظامی نیز در حال تشکیل شدن است.

یکسال از فعالیت دومین شورای کارکنان ارج می‌گذرد. جادارد که نگاهی کوتاه به فعالیت این شورا ظرف یکسال اخیر بیفکنیم: شورا فعالیت بیگانه‌پرست‌ها را در جهت ملی کردن کارخانه انجام داده، که منجر به انتخاب هیئت مدیره کارخانه، شامل ۲ نماینده از طرف وزارت صنایع و معادن و ۳ نفر از طرف شورای کارکنان، ارج گردیده است.

تصفیه و اخراج چند نفر از عوامل کارفرما، ساواکی‌ها و ضدکارگرها، کم کردن حقوقهای کلان مدیران و رؤسا و اضافه کردن حقوق کارگران به منظور تعدیل در حقوقها، پرداخت سود ویژه‌ی کارگران به صورت وام، اخراج کسانی که ۲ شغل داشتند و از ۲ محل حقوق میگرفتند و اخراج بازنشسته‌های ارتش که در کارخانه کار می‌کردند، بهبود شرایط کار کارگران، برای نمونه:

نصب بخاری در کارگاهها (قبلاً در زمستان کارگران مجبور بودند از شدت سرما هیزم و چوب روشن کنند، آنهم در کارخانه‌ای که مجهز به مدرنترین دستگاه‌های تولیدی است) و نصب کولرهای سقفی جهت خنک کردن کارگاهها در تابستان، فعالیت در جهت ساختن خانه برای کارگران (اخیراً با همکاری بنیاد مسکن خانه‌سازی برای کارگران آغاز شده است).

برپایی و شرکت در راهپیمایی و تظاهرات ضد امریکایی و تشکیل چند مجمع عمومی جهت آگاه کردن کارگران از وضع کارخانه. در مجموع شورای ارج با کار پیگیر و مداوم خود، فعالانه در جهت منافع کارگران گام برداشته است. کارگران در انتخابات آتی نیز نمایندگان واقعی و حامی منافعشان را انتخاب می‌کنند، نمایندگان که جز به فکر طبقه کارگر و پیروزی انقلاب ایران نباشند.

با یکی از کارگران که الله‌مراد کولیوند نام دارد به گفتگو نشستیم و از او خواستیم راجع به کارش برای ما بگوید: او در حالی که از فرط خستگی نفس نفس می‌زد بدون آنکه کار خود را قطع کند گفت: "کار من خشت زنی است و هر روز همراه دو فرزندم

کارگران ارج همچون برادران کارگر خود در کارخانه‌های دیگر، همچون نفتگران غیور جنوب و معدنیان و همچون تمامی زحمتکشان شوروی و ایرانی، همانطور که با اعتصابات قهرمانانه خود کمربند مبارزه را در منطقه شکستند، همانطور هم از بدو پیروزی انقلاب با شروع به کار، با برآوردن انداختن چرخهای اقتصاد این مملکت سوگند یاد کردند که به آرمانهای انقلاب وفا نمایند و پیشانی خنک ایران و فدا شوند و پیشانی پیش صف خلق، مبارزه، جانانه علیه امپریالیسم و حامیانش علیه ستگری نظام سرمایه‌داری وابسته، علیه استعمار و وحشیانه غارتگران و چپاولگران را به پیش برند.

کارگران ارج با وجود دشواریها و مشکلات فراوانی که در پیش پای تولید کارخانه، از طرف عناصر معلوم-العالی چون ایادی سرمایه‌داران فراری، ساواکی‌ها، مدیران قبلی کارخانه، گروههای چپ‌نما و مشکلات اقتصادی چون گرانی، نبودن مسکن، نبودن بهداشت و غیره وجود داشته توانستند تا به امروز کارخانه را سرپا نگاهدارند و با کار و کوشش خستگی-ناپذیر خود هر روز استوارتر در برابر امپریالیستها و عمال داخلی آنها، به انقلاب ایران کمک کنند.

حفظ تولید کارخانه، ارج یکی از کارهای مهم کارگران و شورای کارخانه است. در حالی که صاحبان کارخانه وعده‌ای از مدیران گریخته بودند و وعده‌ای که باقی مانده بودند، یا توسط شورا اخراج شده و یا خود به سرکار نمی‌آمدند و در نتیجه کارخانه با مشکل عدم مدیریت روبرو بود و ضدانقلاب امیدوار بود تا از این طریق کارخانه را به تعطیلی بکشاند و ضربه‌ای به انقلاب ایران بزند، کارگران ارج به همراه شورای منتخب خود، اداره کارخانه را به عهده گرفتند و با فروش آزاد محصولات خود نشان دادند که اداره کارخانه از عهده کارگران و عناصر مومن به طبقه کارگر و انقلاب ایران ساخته است.

کارگران ارج تمام رهنمودهای امام خمینی، رهبر انقلاب را برای به ثمر رساندن انقلاب ایران اجرا کرده‌اند و هر جا که لازم بوده، چه برای جنگ و چه برای تولید بیشتر از بدل جان هم دریغ نکرده‌اند. کارگران ارج به همراه شورای خود در دو جبهه یکی همگام با کل انقلاب علیه ضدانقلاب داخلی و خارجی و دیگری همگام با کارگران و تشرایف دیگر علیه سرمایه‌داران و عوامل آنها مبارزه می‌کردند. کارگران ارج متحداً در تمام راهپیمایی‌های هائی که علیه امریکا و استعمار و مستکبرین ترتیب داده شده، شرکت کرده‌اند.



کودکان و نوجوانان بجای درس خواندن کار می‌کنند

بیکار هستم و برای امرار معاش مجبور به پول قرض کردن از دیگران می‌شوم. خوب به این ترتیب شما حساب کنید با درآمد این چندماه، هم مجبور هستم که خرج همراهم را بپردازم و هم بدهی‌های سال گذشته را و هم مقداری برای ایام بیکاری پس انداز کنم. آنهم با این وضع گرانی، ببینید چه زندگی ای باید داشته باشم. صادق که پسر الله‌مراد است کودکی است بشاش ولی لاغر اندام و نحیف که بر اثر بلند کردن قالبهای آجر، هیكلی نا-متناسب پیدا کرده است. او با اینکه ۹ ساله است هنوز به مدرسه نرفته است. چرا که معمولاً به پدرش کمک می‌کنند و در درس خواندن ندارد.

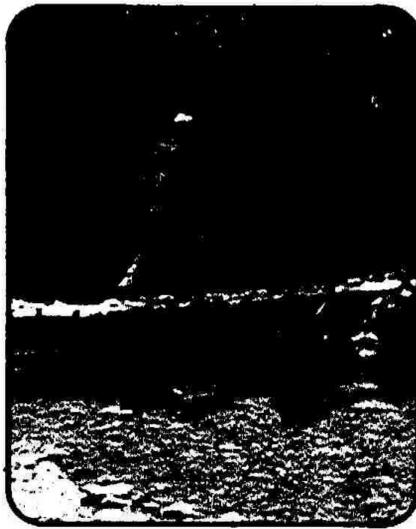
سلطان مراد یکی دیگر از فرزندان این کارگر است که ۱۳ سال سن دارد و در کلاس اول راهنمایی درس می‌خواند. او در ایام تعطیل به کمک پدرش در کار می‌آید و به خشت زنی مشغول می‌شود. ضمناً صادق و سلطان مراد هیچ دست

تنبیه کرده، حتی اگر پدرت هم باشی. به قسمت دیگر کوره که در آن آجر می‌زنند رفتیم. روی کوره دو کارگر جوان مشغول کار بودند و یکی از آنها احمد نام دارد. او می‌گوید که اهل تبریز است، ولی برای تامین خرج خانواده مجبور است که ۴ ماه از سال را به خرم آباد آمده و در کوره به کار بپردازد. او می‌گوید: "دود اینجا بیشتر ما را دچار بیماریهای ریوی کرده است و برای درمان بیماریهایمان بیمه هم نیستیم که لااقل در درمان را درمان کنیم." احمد نگران و غسته می‌گوید: "ما چشم امیدمان به امام خمینی است" او در پایان از ما خواهش کرد که حتماً این مطالب را در روزنامه بنویسیم شاید مسئولان زودتر به وضع آنها رسیدگی کنند همه کارگران بدرستی به پیروزی و تحکیم انقلاب اطمینان کامل و به رفع نیازهای بازار و انقلابمان امید فراوان داشتند.

طبقه کارگر ایران در افزایش تولید، تو میم خسارات جنگ و دفاع در جبهه، پیشقدم است

کدزی به روستا

روستای کاجان در نزدیکی تهران



«بل» هیور رودخانه روستای کاجان

روستای کاجان - از حومه دماوند در قسمت شرق تهران دره خوش‌هوائی قرار دارد. فاصله این روستا از تهران ۷۵ کیلومتر است که ۹ کیلومتر آن شامل یک جاده خاکی و سنگلاخ است به علت نبودن جاده قابل استفاده، در مواقع ریزش برف و باران، اهالی دچار مشکلات فراوان می‌شوند و ارتباط آنها با شهرستان قطع می‌شود.

در کاجان حدود ۶۰ خانوار (۲۵۰ نفر) زندگی می‌کنند. مساحت زمینهای دایروباير روستا بالغ بر صد هکتار است. دودانگ این زمینها اربابی و بقیه خرده مالکی است که به ۵۰ خانوار تعلق دارد. ۱۰ خانوار بقیه خوش‌نشین هستند و از طریق کارمزدی برای دیگران مراعات می‌کنند. دهها هکتار زمین اربابی هم بدون استفاده افتاده است. گذشته از آنکه از حضور ارباب در روستا خبری نیست، اجازه بهره‌برداری از زمینها را نیز به زارعین نمی‌دهد. دادن کلیه زمینها به دهقانان زحمتکش و تامین وسایل در شرایط کنونی تجاوز دارد. دسته صدام حسین امریکائی به ایران، موجب خواهد شد که پشت جبهه تقویت شود و محصول کافی برای رفع نیازهای کشور بدست آید.

فرزندان روستائیان اکثرا بعد از طی دوره ابتدائی ترک تحصیل می‌کنند و به ندرت بعضی از آنها برای ادامه تحصیل به نزدیکترین روستای مجاور به نام «مراء» که در فاصله شش کیلومتری قرار دارد، می‌روند. ولی بین کاجان و «مراء» سرویس رفت و آمد وجود ندارد.

زنان روستائی ظروف و لباسها را در چوب آبی که از کنار روستا میگذرد و کاملاً غیر بهداشتی است، می‌شویند و این خود منبع شیوع انواع بیماریها است. در این روستا حتی یک دکان کوچک وجود ندارد و اهالی مجبورند برای کمترین خرید کیلومترها راه پیمایند.

روستای کاجان برق ندارد، مسالطه ندارد، در برابر سیل کاملاً بی دفاع است. آب مشروب اهالی منحصر به یک چشمه است، که آب باریکه‌ای از آن جریان دارد و از درمانگاه اثری نیست. اگر اهالی روستا مریض شوند، باید به دماوند، به فاصله ۱۵ کیلومتر، مراجعه کنند. وضع زمین زنان روستائی رقت‌انگیز است. زراعتها با وسایل ابتدائی و سنتی انجام می‌شود. سمپاشی درختان توسط اهالی و به تشخیص خودشان از لحاظ انتخاب نوع سم صورت می‌گیرد. گران بی‌سواد میکنند. شورای ده، که اکنون به عنوان یک نهاد دموکراتیک در جامعه انقلابی ما مطرح است، هنوز در این روستا تشکیل نشده است.

در یک کلام می‌توان گفت، علیرغم نزدیکی به تهران، در این روستا هنوز تحولات انقلابی راه نیافته و آثار عقب ماندگی از دوران استعماری گذشته به شدیدترین وجهی در آن وجود دارد. ایجاد این تحولات ضروری انقلابی، دهات ایران را به دژهای مستحکم انقلاب بدل خواهد کرد و هر تاج و زکری از نوع صدام حسین آرزوی درهم شکنن میهن انقلابی ما را بگور خواهد برد. بهمین جهت هم انتظار مردم از دولت حل مسئله زمین، رسیدگی به وضع ناانگار

خرید محصول گندم دهقانان به قیمت عادلانه

نرخ خرید محصول گندم کشاورزان، هر کیلو ۲۰ ریال و نرخ فروش آن توسط خود دولت هر کیلو ۲۵ ریال تعیین شده است. ولی این قیمت، دهقانان منطقه شهرکرد را، مانند بسیاری دیگر از تولیدکنندگان گندم، راضی نمی‌کند. پایین بودن نرخ خرید موجب فروش محصول به واسطه‌ها می‌شود و این کار عواقب وخیمی دارد، زیرا که واسطه‌ها میتوانند دست به احتکار و ایجاد کمبود مصنوعی بزنند.

باید توجه داشت که مادر شرایطی هستیم که کشور در جنگ با دشمن بسر می‌برد و احتکار و کمبود از حربه‌های فدا انقلاب است، لذا تعیین قیمت عادلانه برای محصولات اکنون اهمیت حیاتی دارد. ضمناً کشاورزان، اکنون گندم را برای بذر مورد احتیاج از اداره کشاورزی استان، به قیمت کیلویی ۲۵ ریال خریداری می‌کنند، که باید به آن هزینه هر کیلو در حدود ۱/۵ ریال را جهت بوجاری (الک کردن) و تمیز کردن برای دهقانان اضافه کرد.

قیمت عادلانه خرید در مورد سبب زمینی نیز مطرح است. وظیفه دولت و مسئولین است که از هم اکنون نسبت به خرید محصول سبب زمینی و نیز چغندر قند کشاورزان به قیمت عادلانه و درجهت کوتاه کردن دست واسطه‌ها و دلالتان، که می‌خواهند محصول را یکباره پیش خرید کنند، اقدام کنند. این کار در شرایط جنگی و محاصره اقتصادی آمریکا اهمیت فراوان پیدا کرده است. بعلاوه، بعطت سیل زدگی، سرما زدگی و رطوبت زیاد زمینها، کشاورزان منطقه شهرکرد، دچار خسارات و زیانهای فراوانی شده‌اند. لازم است با در نظر گرفتن شرایط حاضر، به وضع این دهقانان توجه و خسارات آنان جبران شود.

کشور ما باید پاسخی دندان شکن به تحریم اقتصادی امپریالیسم آمریکا بدهد و در برابر تهاجمات رژیم مزدور صدام از نظر تامین مواد غذایی خودکفا باشد. برای اینکار دولت انقلاب باید برنامه‌های خود را دقیقاً تدوین کند و با شرایط جنگی و مقابله با امپریالیسم آمریکا هم‌زمان نماید. تعیین نرخ عادلانه خرید گندم و سایر محصولات اساسی کشاورزی و کوتاه کردن دست واسطه‌ها از جمله این اقدامات است.

این اقدام یک بخش مهم در اجرای فرمان امام خمینی مبنی بر جهاد کشاورزی و کشت همه زمینها و بدست آوردن محصول هر چه بیشتر است. این جهاد را باید تدارک دید و زمینه موفقیت آن را آماده ساخت.

در کنار اجرای اطلاعات ارضی و تامین وسایل کار و کشت، تعیین نرخ عادلانه خرید گندم و سایر محصولات کشاورزی، یکی از سلاح‌های اساسی و بزرگ برای موفقیت در جهاد عظیم تولید بیشتر است. کشور ما در مقابل خود با امپریالیسم آمریکا و محاصره اقتصادی شیطان بزرگ نیاز دارد که ارزاق عمومی را در مهم‌ترین و حیاتی‌ترین اقلام آن در داخل کشور تولید کند و بهیچوجه نیازمند واردات از خارج نباشد.

دهقانان زحمتکش ایرانی با رستگین جبهه جنگ را بردوش دارند و در پشت جبهه در سنگر مزارع و در میدان نبرد تولید بیشتر نیز نقش بسیار حیاتی و سزاوار خود را به انجام خواهند رساند. دولت انقلابی نیز وظیفه دارد شرایط و اسباب این انجام وظیفه را مهیا سازد.

آنها و بهبود شرایط زندگیشان است. شرایطی که سیاست ضددهقانی رژیم شاه ملعون بوجود آورده است. در شرایط حساس جنگ امریکائی صدام، دهقانان نارسائیها و کمبودها را تحمل میکنند و آماده‌اند که در جهاد کشاورزی فعالانه شرکت کنند.

اخیراً وزارت بهداشتی و بهزیستی اقدام به ساختمان درمانگاهی در این روستا کرده و تقریباً ۴۰ درصد کار ساختمانی آن به اتمام رسیده است. پی‌ریزی ساختمان مربوط به سه کلاس راهنمائی دبیرستان نیز شروع شده است. همچنین به همت جهاد ساسا زندگی یک باب حمام تاسیس و در اختیار روستائیان قرار داده شده است.

دهقانان از این اقدامات سیاست‌گذاری میکنند و امیدوارند که بعد از پیروزی در جنگ عادلانه علیه رژیم صدام، سایر مشکلات فراوان آنها نیز بتدریج مرتفع شود.

"ما اینجا هیچ چیز نداریم، من و شوهرم با این سن و سال زیاد مجبوریم از صبح تا شب روی زمینهای دیگران کار کنیم، با این وصف خرج بخوریم - نمیریم ما و فرزندمان جور نمی‌شود. خاتمه ما از خشت خام ساخته شده و با اولین باران تمام غیس و نم‌دار میشود.



روستای کاجان - در فاصله کمی از تهران - مظهری از فقر و عقب‌افتادگی است. با غلبه پر دشمن مجاوز و شرکت در جهاد تولید کشاورزی، سیمای دهات کشور ما نیز تغییر خواهد کرد.

پای صحبت چند نفر از اهالی روستا می‌نشینیم. زنی به اسم فاطمه اظهار میدارد:

شماره خدا بگوئید به وضع ما رسیدگی شود و ما را از این فلاکت خلاص کنند. مگر مستضعفان را ما هم وجود دارد؟

روستائی دیگری به نام سیدحسین ضیائی می‌گوید:

"در این روستا قبلاً ۱۰۰ خانوار زندگی می‌کردند، ولی غالباً جوانان به

علت فقدان امکانات روستا را ترک کرده به تهران هجوم برده‌اند. در حال حاضر فقط کودکان و پسران در روستا باقی مانده‌اند، به این لحاظ از نظر نیروی کار بسیار کم مضیق هستیم و خسارات سنگینی متحمل می‌شویم، لذا دولت برای جلوگیری از انهدام کشاورزی در این روستا باید چاره‌ای کند. روستائیان کاجان ناچار هستند محصولات درختان خود را به حداقل قیمت روز به بیسار فروشان میدان عرضه کنند. وای به وقتی که آفت سرما و تگرگ به سردرختها آسیب برساند. در آن صورت دیگر حساب روستائیان در آن سال بکلی پاک است"

علی قنبری، جوانی که در سالهای اخیر ده را ترک کرده و در چابخانه دانشگاه علم و صنعت مشغول کار است می‌گوید:

"اگر وضع ده خوب بود، من هرگز با پنج ساعه‌ای که به تهران نمی‌رفتم. ما به زندگی در شهر عادت نداریم. کشاورزی در خون ماست"

می‌پرسم: از دولت جمهوری اسلامی چه انتظاری داری؟ می‌گوید:

"دلم می‌خواهد روستای ما هم مثل بعضی از روستاهای دیگر، برق، جاده و دبیرستان نداشته باشد تا قابل زندگی کردن شود."

دهقانان ایران امروز یکدل و یکجان از انقلاب بزرگ خود و از جمهوری اسلامی ایران دفاع میکنند، تا فردا بتوانند در ایجاد زندگی بهتر و شایسته‌ای سهم داشته باشند.

های دراز مدت و بدون بهره لغوبدهی های عقب افتاده دهقانان) و غیره به آنها یاری رسانند. در این صورت با رشد کشاورزی، به رشد رشته های مربوط به صنعت نیز کمک خواهد شد و جهاد تولید بیشتر و خرید کردن محاصره اقتصادی آمریکا، که وظیفه مهم انقلابی است، با موفقیت عملی خواهد گردید.

از قبیل توتون و چغندر قند مساعد است. آنها قادرند در جهات دگشا و رزی شرکت فعال کنند. مسئولان امور موظفند موقعیت این روستا را در نظر بگیرند و به دهقانان کمک های فوری و مؤثر فنی (از قبیل تراکتور و دیگر ماشین آلات) بکنند و با تهیه کود، بیادادن طرز استفاده صحیح و به موقع آن و دادن کمکهای مالی (وام -

چندرکاران ده از نظر تهیه کود در مضیق اند و کارخانه چغندر قند سازی هر مرتبه کود کمکی عملی به آنها نمی‌کند. در روستا حمام، درمانگاه و شرکت تعاونی وجود ندارد اهالی مجبورند از روستای قره‌گوز مواد مصرفی خود را تامین کنند. با کمک جهاد ساسا زندگی کار ریزش کشی به روستا در حال اتمام است.

برای شرکت در جهاد کشاورزی و درهم شکستن توپنه اقتصادی آمریکا

روستای "سپولو" با جمعیتی در حدود ۸۰ خانوار (تقریباً ۶۰۰ نفر) در ۱۲ کیلومتری ارومیه قرار دارد. در این روستا ۸ خانوار اربابی زمین وجود دارد.

جلسه مرسوم درسش و پاسخ در تاریخ ۲۹ آبان ۱۳۵۹
باشکرت رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی
حزب توده ایران برگزار شد. رفیق کیانوری به پرسشهای طرح شده در این جلسه پاسخ گفت.
بخش اول این «درسش و پاسخ» در شماره دیروز درج شد. بخش دوم آن در این شماره به چاپ می رسد و بقیه در شماره آینده منتشر خواهد شد.

نورالدین کیانوری

(۲)

«پرسش و پاسخ»

بررسی مسائل

مبارم روز

۳- پاسخ به يك دوست مسلمان

ندارد، حتی عقبنشینی کنیم. این مسئله که دوستان و دشمنان ایران چه کسانی هستند و اعتقادات ما در این زمینه، ناشی از شناخت اصولی ما است و ما از هیچ طرف آن، عقبنشینی نخواهیم کرد. مگر ما در مورد شناخت دشمنان ایران عقبنشینی کرده ایم؟ گفته ایم که امپریالیسم دشمن ایران است و به خاطر همین شناخت، آماج انواع حملات قرار می گیریم. اولین حزب سیاسی که در ایران گفت بزرگترین دشمن ایران آمریکا است، حزب توده ایران بود. هیچ کس نمی تواند این حقیقت را منکر شود. ما از سال ها پیش تشخیص می دادیم که آمریکا دشمن اصلی و خطرناک ملت ایران است و به همین جهت هم ما را می گویندند. همین طبع، همین آقایان لیبرال های امروز و طبعون دیروز، در درجه اول از دشمن خلق های ایران می دانستیم و این آقایان آمریکا را دوست و منجی ایران تشخیص می دادند. آنها در موضع خود مانده اند و ما هم همین طور. آنها می گویند بعد از این همه جنایت که آمریکا در حق ملت ایران مرتکب شده است، باز هم راه را برای تجدید تسلط آمریکا بر ایران هموار کنند و ما هم با تمام جان خودمان ایستادیم که این راه را سد کنیم و حاضریم تا آخرین نفر کشته شویم، ولی نگذاریم آمریکا دورتر به ایران برگردد. این جزو اصول است، برای این که ما امپریالیسم را دشمن شماره یک بشریت زحمتکش می دانیم. و یکی از علل پشتیبانی ما از خط امام، همین چشم بیدار امام و همین دید تاریخی امام است. امام در پرتو تجارب طولانی مبارزات خود، با نبوغ خاصی به این نتیجه رسیده است که آمریکا دشمن شماره یک خلق ها، خطرناکترین دشمن نه فقط ملت ایران، بلکه تمام بشریت محروم است. امام با قاطعیت تمام بر این موضع استوار است. احترام عمیق ما نسبت به امام ناشی از همین برخورد اصولی ما است. کجا ما از اصول خودمان در مقابل سخت ترین فشارها عقبنشینی کرده ایم؟ برای جلب کدما نیرو تن به سازشکاری داده ایم؟ به این ترتیب این اتهام دوست ما به هیچ وجه وارد نیست. همین طور است مسئله مربوط به تشخیص دوستان انقلاب ایران. ما از ۴۵ سال پیش، از همان روز که حزب توده ایران تأسیس شد و از ۶۰ سال پیش که حزب هواداران سوسیالیسم علمی، حزب کمونیست ایران تشکیل شد، بر این عقیده بوده و هستیم که ایران در دنیا دوستان و دشمنان شخصی دارد. دوستان آن عبارتند از زحمتکشان جهان و طبقات محروم و ستمکش جهان و دشمنان ایران عبارتند از طبقات استثمارگر و غارتگر. پشتیبانی ما هم از خط امام برای همین است که امام بر پایه اعتقادات عمیق خود، تشخیص داده است که دنیا تقسیم می شود به ستمگران، یعنی غارتگران، زورگویان، چپاولگران از یکسو و محرومان و ستمدیدگان و مستضعفان از سوی دیگر و این که مستضعفان همه در یک جبهه علیه استکبار جهانی به طور طبیعی با تقوه متحد و دوست هستند. ما هم، منتها با مبارزات خودمان، از ۶۰ سال پیش، از ۱۳۰ سال پیش، از همان روز که مارکسیسم به میدان سیاست جهانی گام نهاد، این اصل را مطرح کرده ایم که دنیا تقسیم می شود به استثمارگران و استثمارشدگان. غارتگران و غارتشدگان، ستمگران و ستمکشان و تمام تاریخ جهان، نبرد میان این دو جبهه جهانی است. ما از این اصل هم هیچ وقت عقبنشینی نکرده ایم و معتقدیم که دوستان جنبش انقلابی و خلقی و توده های محرومان کشور ما عبارتند از همه نیروهای که در دنیا به توده های میلیونی کارگران و دهقانان و تولیدکنندگان کوچک و زحمتکشان فکری تکیه دارند. حالا این نیروها در کشورهای مختلف کشورهای سوسیالیستی قدرت را به دست گرفته اند، در کشورهای در قدرت شریک هستند و در جاهای دیگر هم که در قدرت نیستند یا در جنبش های آزادی بخش ملی مبارزه می کنند یا در جنبش های شرقی کارگری علیه استکبار کشور خودشان، مثل فرانسه، آلمان غربی، ایتالیا و بسیاری از کشورهای دیگر. اینها دوستان انقلاب ما هستند. این یکی از اصول ما است. و ما از این اصل در مقابل هیچ تهدید و فشاری هرگز عدول نخواهیم کرد. ممکن است ما را خفه کنند، دهانمان را ببندند، جلوی روزنامه مان را بگیرند، کتاب هایمان را نگذارند منتشر شود، خودمان را بگیرند، حبس کنند و دار هم بزنند، همان گونه که رژیم آریامه ری کرد، همه این کارها را ممکن است بکنند، ولی مطمئن باشند که با این اعمال هرگز نخواهند توانست ما را به عدول از اصول خود وادارند.

اما اگر به فکر منافع خودشان بودند، مثل اکثر مهندسی که امروز در جامعه ما هستند، صاحب مال و منال و کارخانه شده بودند. ولی توده های ما، اعم از افسران و مهندسان و کارگران و روشنفکران زندگی خود را فقط به مبارزه در راه منافع حیاتی توده های میلیونی زحمتکش می بینیم که اکثریت مطلق شان مذهبی و متعهد هستند، اختصاص داده همه چیز خود را در این راه فدا کرده اند. این پدیده را این دوستان مسلمان ما هنوز درک نمی کنند. آنها به مفهوم واقعی این پدیده که از اواسط قرن نوزدهم میلادی در دنیا پیدا شده و ۶۰ سال است افکار عمومی سراسر جهان را مشغول می دارد، پی نبرده اند و نمی دانند چرا کمونیست ها حاضر می شوند برای جمهوری اسلامی خود را تار کنند؟ آنها باید به این سؤال جواب بدهند. پاسخ ما همان است که همه در جمهوری اسلامی شاهد آنند: ما، با تمام امکانات برای تحکیم این جمهوری اسلامی مبارزه کرده ایم و می کنیم، چرا؟ برای این که در این جمهوری اسلامی نیروهای را می بینیم که علیه بدبختی های مبارزه می کنند که جامعه ما طی قرن ها و بخصوص طی دهها سال اخیر گرفتار آن بوده است. آنها علیه سلطه امپریالیسم، علیه سودجویی طبقات وابسته به امپریالیسم یعنی سرمایه داران وابسته بزرگ مالکان و به نفع توده های میلیونی محروم مبارزه می کنند و چون می بینیم که نظام جمهوری اسلامی با تمام خصوصیاتش در زمینه های استقلال و رهایی از وابستگی به امپریالیسم و برانداختن نظام غارتگر سرمایه داران وابسته و بزرگ مالکان، تاکنون، یک سلسله اقدامات جدی به نفع توده های میلیونی انجام داده است، با تمام قوا از آن پشتیبانی می کنیم و حاضریم جانمان را در این راه فدا کنیم. با توجه به این واقعیت است که ما بدون این که هیچ چیزی از این جمهوری می خواهیم بدون این که جمهوری اسلامی هیچ چیزی به ما بدهد، حتی با آن که افراد توده های را از حقوق غنهای که مطابق قانون به آنها تعلق می گیرد محروم می کنند و از کار بیرون شان می کنند، برای تحکیم جمهوری اسلامی خواهیم کوشید و همان طور که توده های هادر سترگ های جبهه نشان داده اند، آماده ایم تا پای جان از آن دفاع کنیم. پس مسئله به هیچ وجه «فریبکاری» نیست. ما هر روز انتظار داریم که مسلمانان خیلی متعصب و کوفته بین باز هم به جان توده های ما، بیافتند و همان طوری که دخترهای ما را اقتال کردند و رفقای ما را زدند و در بعضی موارد حتی علیه توده های ما که از جمهوری اسلامی دفاع می کردند، حکم اعدام صادر کردند و حکم را هم به موقع اجرا گذاشتند. مثل کرامتاشان و هیچ بعید نیست که باز هم این اعمال تکرار شود، ولی هذالک تا وقتی که ما احساس کنیم و با محکمه های خودمان به این نتیجه برسیم که سیاست تعیین کننده، در هیچ چیزی اسلامی، سیاستی است به طور عمده علیه امپریالیسم و علیه سلطه همه جانبه امپریالیسم بر مابین ملیت است به سود محرومان جامعه و علیه غارتگری چپاولگران اجتماعی، از این نظام پشتیبانی خواهیم کرد. این است صداقت انقلابی، که بدان می بالیم.

و اما قسمت دوم سؤال این است که، مگر تنها اصل عقیدتی و آرمانی حزب توده ایران دفاع از شوروی است، که حزب برای جلب نیروها در تمام موارد عقبنشینی می کند ولی در این مورد هیچ گونه عقبنشینی نمی کند؟ این قسمت از سؤال دوست مسلمان ما هم به کلی غلطو ناشی از شناخت نادرستی است که از سیاست حزب ما دارد. یک نکته بسیار نادرست در این جا هست که گویا ما حاضریم برای جلب سایر نیروها از اصول عقیدتی خودمان، غیر از آن چه که به اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی مربوط می شود، عدول کنیم. این ناشی از عدم شناخت مطلق از توده های ما است. برای آن که یکی از صفات مشخصه توده های ما، توده های ما، نه تنها در ایران، بلکه در تمام دنیا و در طول تمام تاریخ صدوسی و چند ساله ای که سوسیالیسم علمی وارد میدان سیاست شده، این است که برای دفاع از اصول عقیدتی خود حاضر به تحمل همه گونه محرومیت های هستند. اگر تنها همین تاریخ ۴۵ ساله اخیر را در نظر بگیریم می بینیم برای دفاع از سوسیالیسم علمی در جنگ جهانی دوم چه تلفات عظیمی داده شد. در جنگ دوم جهانی نه فقط در کشور اتحاد شوروی، بلکه در فرانسه، آلمان، یوگسلاوی، ایتالیا و در سایر کشورهای که تحت اشغال فاشیسم درآمده بودند، کمونیست ها بیش از هر نیروی سیاسی دیگر برای دفاع از اصول عقیدتی خودشان قربانی دادند. اصلا بازرترین صفت مشخصه هواداران سوسیالیسم علمی توده های ما، همین است که از اصول خود یک گام هم عقبنشینی نمی کنند، یعنی اگر به ما بگویند که حاضریم شما را و بزرگترین به شرط این که بگویند که دیگر طرفدار سوسیالیسم علمی نیستیم، در جواب می گویم، وزارت مال خودتان، ولی ما طرفدار سوسیالیسم علمی هستیم و یک گام هم از اصول خود عقب نمی نشینیم. ولی اگر با علم بر این که ما طرفدار سوسیالیسم علمی هستیم، خواستید فلان کارخانه را به ما بدهید که اداره کنیم، با تمام صداقت آنرا خواهیم پذیرفت. ما در عین این که در تاکتیک، در برخورد به مسائل روزمره اصولی داریم، به خاطر هیچ چیز، نه برای مقام و نه برای جلب سایر نیروها، هرگز حاضر نیستیم از اصول خودمان عدول کنیم. آنجا هم که ترمش نشان می دهیم، این ترمش همراه است با کوشش برای شناخت بیشتر نیروهای دیگر. ما می گوئیم بر سر اصول دعوا راه نیاندازید: ما طرفدار سوسیالیسم علمی هستیم. شما طرفدار نظریات ایدئولوژیک دیگر، ولی برای این که دست آمریکایی ها از ایران کوتاه شود، هر دو می باهم توافق داریم. همه با هم نیروهای خود را به کار بریم تا شر آمریکایی ها از ایران کنده شود. و وقتی هم شر آنها کنده شد، آنوقت اگر شما اکثریت داشتید، تمام دستگاه دولتی مال شما است. اگر واقعا منطقی و عاقلانه عمل کنید، از همکاری ما و نیرویی که داریم استفاده خواهید کرد. مثل خیلی از جنبش های اجتماعی غیر سوسیالیستی کشورهای دیگر که با همین برخورد توانستند استقلال ملی شان را حفظ کنند. یکی از نمونه های آن نحوه عمل سوریه در مقابل امپریالیسم، صهیونیسم و طبقات ارتجاعی جامعه است.

هر دو سؤال این دوست مسلمان ما بسیار جالبی است. این دوست یک سؤال دیگر هم مطرح کرده که آن هم بسیار جالب است: مگر تنها اصل عقیدتی و آرمانی حزب توده ایران دفاع از شوروی است که حزب برای جلب سایر نیروها در تمام موارد عقبنشینی می کند ولی در این یک مورد هیچ گونه عقبنشینی نمی کند؟

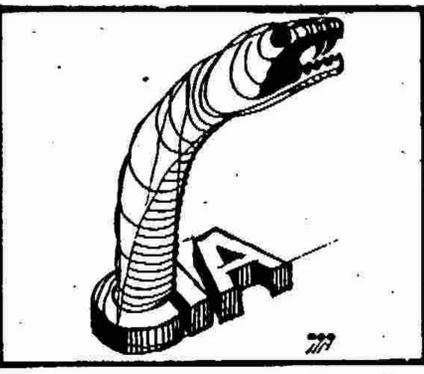
هر دو سؤال این دوست مسلمان ما بسیار جالبی است. ما به این دو سؤال در جلسهای گذشته به اشکال دیگری جواب داده ایم. حالا در این چارچوب هم می کوشم که جواب روشن کننده ای بدهم. چند نکته از این پرسش استنتاج می شود. این که دوست مسلمان ما قبول دارد که حزب توده ایران به طور جدی از خط امام خمینی پشتیبانی می کند و به عقیده او این «زنگی» و به بیان دقیق تر کاردرستی است که ما می کنیم و اگر ما این کار را نمی کردیم به سرنوشت مجاهدین و فدائیان گرفتاری شدم که البته سرنوشت خوبی نیست. و او هم معتقد است که آنها به سرنوشت ناگواری گرفتارند که از جنبش سراسر خلق جدا مانده اند.

از این سؤال یک نکته دیگر هم استنتاج می شود که آن هم درست است یعنی حزب توده ایران طرفدار نظام سوسیالیستی در جامعه است. و بعد سؤال می کند که آیا جمهوری اسلامی گامی است در راه نزدیکی به جامعه ای که هدف حزب توده ایران است؟ آیا برای این است که حزب توده ایران از آن دفاع می کند؟ در این سؤال توام با تردید، تمام پاسخ درست مسئله منتهی است و آن این است که برخلاف آن چه که این دوست ملاحظه است، ما به هیچ وجه در اتخاذ این سیاست «فریبکاری» نمی کنیم. اگر می خواستیم «فریبکاری» کنیم اصلا مسئله هواداری از سوسیالیسم علمی را می گذاشتیم کنار یا آنرا سکوت می گذاشتیم و مثل حزب «رنجبران» می شدیم که پرپر زده می شد و اولترا کمونیست بود و حالا انگلی اینها را گذاشته کار فقط از «اسلام» حرف می زند، و با مثل این مائوئیست های «مسلمان شده» بودیم که هم در گذشته دروغ می گفتند و هم دروغ می گویند. اگر می خواستیم «فریبکاری» کنیم، ما هم راه خود را ترک می کردیم و می گفتیم: «اسلام مسلمان مستقیم» و شاید هم می توانستیم وکیل مجلس شویم، برای این که چند تاتی از مائوئیست های «مسلمان شده» الان در مجلس نشاندند. اگر آن طور بودیم می توانستیم در کابینه «گام به گام» راه پیدا کنیم. توده های آدم های خیلی بی عرضه ای هم هستند و همه قبول دارند که آدم های لایق و با عرضه ای هستند. ولی بهمان دلیل که سر سوزنی فریبکاری در سیاست ما نیست و می دانیم دفاع علنی از سوسیالیسم علمی در جامعه ای که مذهب در آن به عامل سیاسی تبدیل شده، کار آسان نیست، علی رغم تمام مخاطرات با شجاعت و شهادت از سوسیالیسم علمی دفاع می کنیم. حزب توده ایران و توده های ما این شجاعت و شهادت را دارند که علی رغم همه خطراتی که دفاع از این هدف و از این عقیده برای آنها در بر دارد، با صراحت تمام از عقیده خودشان دفاع کنند و ضمناً با همان صراحت و فداکاری و ایثار هم در جبهه جنگ علیه دشمن نبرد می کنند، کشته می شوند و خون می دهند. با این توصیف تهمت «فریبکاری» به توده های ما زدن بی انصافی و حتا ناشی از بی اطلاعی و ناگامی است. ما مقدمیم که دوستان مسلمان واقعی (نه آن ها که فریبکارند و امام از آنها متفر است)، شناخت شان در مسائل سیاسی و اجتماعی هنوز به اندازه کافی رشد نکرده و هنوز نمی توانند این پدیده را درک کنند. اصولا همان طور که دنیا نتوانست اسلام انقلابی را درک کند و الان در مقابل این پدیده تاریخی به تازده است، همان طور هم قسمتی از دنیا هنوز سوسیالیسم و کمونیسم را درک نکرده و نمی فهمد که چگونه نیروهای با حد اعلا ایثار در راه این عقیده جانبازی می کنند و برای هرگونه فداکاری در راه تغییر بنیادی جامعه به سود زحمتکشان و محرومان جامعه آماده اند. آن ها محتوای این پدیده را نفهمیده اند، و چون نفهمیده اند، گرفتار مجموعه پدیدآوری هایی هستند که محصول تبلیغات بیش از ۱۳۰ ساله انواع دشمنان جنبش انقلابی سوسیالیستی جهان است.

خلاصه این که ما در جواب این دوست خودمان می گوئیم، خصوصیت حزب ما این است که هرگز برای جلب سایر نیروها و یا جلب نظر بعضی از مقامات، هیچ گاه حاضر نیست اصول عقیدتی خود را زیر پا بگذارد و در زمینه های اصولی تن به سازشکاری دهد.

ادامه دارد

مبارزات
نیروهای
مبارز
نیروهای
مبارز
نیروهای
مبارز



نیکاراگوئه...

بقیه از صفحه ۲

خویش را از بند وابستگی نواستعماری رهایی بخشد.

علاوه بر این، کشورهای دیگری هم هستند که با مداخله امپریالیسم در امور داخلی کشور های آمریکا لاتین مخالفت می ورزند. در این زمینه، می توان از موضع گیری چندین کشور آمریکای لاتین، از جمله مکزیک، بیش از پیروزی ما، یاد کرد. گام های قاطعانه این کشورها نقشه های مداخله گرانه ایالات متحده آمریکا را در قبال نیکاراگوئه عقیم گذاشت.

برخی از این کشورها امروزه می کوشند تا از حمله نیروهای ایالات متحده آمریکا به السالوادور جلوگیری کنند. ما نیز به نوبه خود هم اکنون اعلام داشته ایم که هرگونه تجاوزی از علیه السالوادور به متابه دخالت در امور داخلی خویش تلقی می کنیم.

(منبع: مجله مسائل صلح و سوسیالیسم، شماره ۶/۱۹۸۰)

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:

اگر متحد باشیم دشمن نمیتواند علیه ما کاری کند

شاه اردن هرگز با ملت ما خوب نبوده است، او نوکر خان است

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی که به ریاست اکبر پرویز تشکیل شد، یکی از نمایندگان تاکید کرد که ما باید در مقابل دشمن داخلی و خارجی انقلاب متحد شویم.

در آغاز این جلسه گامی نیا نماینده شهرستان قوچان به عنوان اولین ناطق پیش از دستور سخن گفت. او ضمن ستایش مبارز مدیترانه مردم قهرمان ایران در جبهه های نبرد با مزدوران صدام حسین به فدائکارهای مردم شهرستان قوچان اشاره کرد و خواستار حراست انقلاب از آفت تفرقه و پراکندگی شد.

ناطق بعدی پیش از دستور ضمن اشاره به کمکهای مردم به مبارزان و جنگزدگان، نیازهای مردود، حوزه انتخابیه خود را برشمرد.

گامی سومین سخنران پیش از دستور در مورد فعالیت و همکاری دشمنان خارجی و داخلی انقلاب صحبت کرد و از جمله اظهار داشت:

اکنون صدام حسین مزدور که فکر می کرد تهران را چند روزه می گیرد مایوس شده است. او فکر نمی کرد که این ملت بتواند در برابر حملات ایستادگی کند و بر این اساس جنگ را آغاز کرد.

رادیو عراق علیه انقلاب اسلامی ما سمپاشی می کند و چند روز پیش ادعا کرد که حکومت ایران همه رهبران احزاب و گروهها را زندانی کرده و بقیه به جلسه بعد موکول گردید.

سپس مجلس وارد دستور شد و ماده دوم طرح قانونی اداره صدا و سیما جمهوری اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. این ماده اختصاص به انتخاب نمایندگان قوای سه گانه برای اداره رادیو تلویزیون دارد. در این جلسه قسمت هایی از این ماده به تصویب رسید و بقیه به جلسه بعد موکول گردید.

سپس مجلس وارد دستور شد و ماده دوم طرح قانونی اداره صدا و سیما جمهوری اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. این ماده اختصاص به انتخاب نمایندگان قوای سه گانه برای اداره رادیو تلویزیون دارد. در این جلسه قسمت هایی از این ماده به تصویب رسید و بقیه به جلسه بعد موکول گردید.

کرده و بسته است جز حزب کمونیست را! ناطق سپس گفت: در زمان طاغوت در نوشهر ما، محمدرضا کاخی برای شاه اردن ساخته بود و او تعطیلاتش زادر آنجا می گذراند. ما می خواهیم به ملت اردن، عربستان سعودی، عراق... بگوئیم که این حکومت ها پاشما نیستند.

ناطق افزود: ما در مقابل فعالیت ضد انقلاب باید متحشوم. اگر مجلس ما مجلسی قوی و دولت ما دولتی قوی و ملت ما ملتی متحد باشد آنها بیچوجه نمی توانند علیه ما کاری کنند. وی در پایان در مورد آزادی نیز سخن گفت.

در اینجا رئیس مجلس توضیح داد: حسین اردنی هرگز با ملت ما خوب نبوده است او نوکر خان است. چیزی که برای اینها مطرح است خوردن و لولیدن... است، والا انسان و انسانیت و مبارزه و کرامت برای اینها که همه چیزشان بسته به خان است، مفهومی ندارد.

سپس مجلس وارد دستور شد و ماده دوم طرح قانونی اداره صدا و سیما جمهوری اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. این ماده اختصاص به انتخاب نمایندگان قوای سه گانه برای اداره رادیو تلویزیون دارد. در این جلسه قسمت هایی از این ماده به تصویب رسید و بقیه به جلسه بعد موکول گردید.

خوش بود گر محک تجربه آید بین تا سیه روی شود هر که در او غش باشد

این تجربیات از طرفی ماهیت پلید حکومت های مرتجع منطقه مانند پاکستان و عربستان و اردن و... ثابت کرده و از طرف دیگر چهره کثیف و تجمین واپسته داخلی را می نمایاند که بدو روغ می خواهند حکومت های فوق را اسلامی قلمداد کنند ولی مردم مسلمان و مبارز ایران با رهبر انقلاب بیسانی چندباره بسته اند تا در برابر صدام مزدور و هر کسی و هر حکومتی که بطور مستقیم یا غیر مستقیم از این دیوانه دفاع کند، قاطعانه وقت کنند تا پایه های لرزان حکومت زیدل هان تاریخ روانه شان سازند.

حکومت نظامی پاکستان از طرفی جلوی ورود انسان دوستانی را که برای کمک به برادران و نواهران خود عازم ایران میشوند، میگیرند و از طرف دیگر بر اساس ماهیت منافقانه اش، به ایران آمده و تقاضای صلح و آتش بس کرده و بعد سراغ صدام و سپس پسوی اربابش کترتر روانه میشود تا خوش رقصی خود را آلبان نماید...

اطلاعیه سپاه...

بقیه از صفحه ۱ سیستان و بلوچستان اعلامیه ای منتشر کرد. در این اطلاعیه آمده است:

و شما شنیده و ماه شنیده ایم که بعضی شخص نشینای خلیج و بعضی دولتهای کشورهای اسلامی در جنگ بین اسلام و کفر طرف کفر را اختیار و کسب کسب نظامی و تبلیغاتی از دولت فاسد یث و جنایتکار می کنند... به کشورهای اسلامی اختطاری کم که جلوی این تبلیغات باطل را بگیرند و یا اسلام عزیز مخالفت نکنند.

آیا جز این است که حکومت آمریکایی ضیاعا لیاطل بطور غیر مستقیم بمستور ارباب جنایتکارش کارتر به یاری صدام شتاقه است؟ آیا این مسئله ماهیت رژیم پاکستان و رژیمهای شیبه او را نشان نمیدهند؟ آیا مرتجعین وابسته ای که در

جنگ ایران و...

بقیه از صفحه ۱ دیگر جنگ دولت عراق علیه ملت خودش است.

آیتاله دگر بهشتی میس به این پرسش پاسخ داد که: دسا توجه به شکست امپریالیسم امریکا در برهه انداختن جنگ تحمیلی رژیم صدام حسین علیه ایران، و اینکه امپریالیسم امریکا بازم به توطئه های دیگر برای از پای درآوردن انقلاب دست خواهد زد، چه اقدامات موثری باید برای مقابله با این توطئه در عرصه های داخلی و خارجی به مورد اجرا گذاشت. وی ضمن اشاره به لزوم ارائه برنامه های درازمدت برای توسعه اقتصادی - اجتماعی ایران گفت:

در زمینه داخلی همه ما باید بگوئیم برنامه ها و سازماندهی های لازم برای حل مشکلات روزمره کشور بهتر و بیشتر باشد و همچنین برنامه های درازمدت را هر چه سریعتر آغاز کنیم. الان دولت دولتی است متکی به مجلس، دیگر دولت موقت نیست. این دولت باید با استفاده از کارشناسان و مطلقان دلسوز چه در سطح وزارتخانه ها چه در میان خود مردم، برنامه های درازمدت اجتماعی، اقتصادی و کشاورزی را مشخص کند و کارها روی جریان اسبیل و دامنه دار قرار گیرد. فکر می کنم این مهمترین قدم باشد.

دکتر بهشتی همچنین افزود: «از نظر دستگاه قضائی ما همواره می گوئیم که نظام قضائی اساسی را گسترش دهیم و اقداماتی که در این زمینه کردیم نسبت به زمان برای ما خوشحال کننده است. علاوه بر این باید ملتتان را به اندازه کافی در جریان همه امور قرار دهیم و توضیحات لازم به ملت داده شود که ملت آگاهی لازم را داشته باشد تا در برخورد با همه سب پاشی ها، شایعه ها، دروغ پردازیا

دکتر بهشتی همچنین افزود: «از نظر دستگاه قضائی ما همواره می گوئیم که نظام قضائی اساسی را گسترش دهیم و اقداماتی که در این زمینه کردیم نسبت به زمان برای ما خوشحال کننده است. علاوه بر این باید ملتتان را به اندازه کافی در جریان همه امور قرار دهیم و توضیحات لازم به ملت داده شود که ملت آگاهی لازم را داشته باشد تا در برخورد با همه سب پاشی ها، شایعه ها، دروغ پردازیا

دکتر بهشتی همچنین افزود: «از نظر دستگاه قضائی ما همواره می گوئیم که نظام قضائی اساسی را گسترش دهیم و اقداماتی که در این زمینه کردیم نسبت به زمان برای ما خوشحال کننده است. علاوه بر این باید ملتتان را به اندازه کافی در جریان همه امور قرار دهیم و توضیحات لازم به ملت داده شود که ملت آگاهی لازم را داشته باشد تا در برخورد با همه سب پاشی ها، شایعه ها، دروغ پردازیا

دکتر بهشتی همچنین افزود: «از نظر دستگاه قضائی ما همواره می گوئیم که نظام قضائی اساسی را گسترش دهیم و اقداماتی که در این زمینه کردیم نسبت به زمان برای ما خوشحال کننده است. علاوه بر این باید ملتتان را به اندازه کافی در جریان همه امور قرار دهیم و توضیحات لازم به ملت داده شود که ملت آگاهی لازم را داشته باشد تا در برخورد با همه سب پاشی ها، شایعه ها، دروغ پردازیا

کردن اصل عمده تعیین کننده، نه سزاوار آدم انقلابی است و نه با مدعای مبارز بودن مطابقت دارد. در اینجا نیز آنچه عمده است، دفع از انقلابیست و هر موضع و عملی غیر از این، به مسئله عمده زیان میرساند.

آزادی نعمت بزرگ و بیمانندی است. ولی انواع طبقاتی دارد. آن آزادی مقبول است که به استقلال، میهن پروری، آزادی زحمتکش از استثمار و استثمار خدمت کند. حال اگر کسی، علیرغم بیانات صادقانه اش، در گرد و خاک که لیرالها بره انداخته اند - خواسته یا ناخواسته - مسجور شمار «آزادی» مطلوب لیرالها شود، در راه خواست آزادی برای مخالفان استقلال و آزادی واقعی، یعنی طرفداران بازگشت به اسارت امپریالیسم، بازگشت به سلطه سرمایه داری وابسته و بزرگ مالکی، بازگشت به رژیم ترور و اختناق ناشی از سلطه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته و بزرگ مالکی گام نهاده است.

باید برای آزادیهای فردی و اجتماعی مصرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تمام نیرو مبارزه کرد، باید با نقض امنیت قضائی و قانونیت با تمام قوا مقابله کرد، ولی در این مبارزه لحظه ای نباید در کنار لیرالها قرار گرفت، زیرا اگر شمار دایوای آزادی لیرالها، یعنی مدافعان سرمایه داری در داخل و سازش یا امپریالیسم در خارج، پیروز شود، از استقلال و آزادی برای خلق محروم و ستمدیده و نیروهای انقلابی آثری نخواهد ماند و انقلاب نابود خواهد شد. در دفاع از آزادی، در دام لیرالیسم نیفتیم. این هشدار ملست.

در حالی که انقلاب ایران برهبری امام خمینی، در معرض کینه دشمنانه بقایای طبقات طاغوتی و نمایندگان داخلی و حامیان خارجی آنها قرار گرفته و لیرالیسم به پرچم این کینه ضد انقلابی مبدل گشته است، حق اینست که هر کس که مدافع انقلاب است، در جبهه دفاع از انقلاب قرار گیرد. حق اینست که همه نیروهای بالفعل و حتی بقره انقلابی در ستمی قرار گیرند که همه نیروهای صدیق مدافع انقلاب برهبری امام خمینی در آن قرار گرفته اند.

بی آنکه از گروهی و یا کسی نام ببریم، لازم میدانیم هشدار دهیم که خطر گمراه شدن بخشی از نیروهای انقلابی بسوی جبهه لیرالها وجود دارد. قسمت اعظم و شکنده نیروهای انقلابی در صف مدافعان انقلاب برهبری امام خمینی اتحاد خود را هر چه مستحکمتر میسازند و همین نیرو است که، چه در جبهه و چه در پشت جبهه، چه در مدال داخلی و چه خارجی، کشور انقلابی ما را به موفقیتها و پیروزیهای قابل تحسین رسانده است. ولی موجب تاسف و تکرانی است که بخشی از نیروهای انقلابی - چه بخواهند و چه نخواهند دارند یا لیرالها هم آواز میشوند، که این نه با سوابق و اندیشه ها و نه با کهنیت خود آنها مطابقت دارد. این کار - چه بخواهند و چه نخواهند - بزیران انقلاب و بسود نیروهای است که میکوشند انقلاب را در نیمه راه ناکم و جوانمرگ کنند.

برای این کار دلایل گوناگونی ارائه میشود و در مرکز همه آن دلایل، شکایت از «فقدان آزادی» و تکرانی از «نقض قانون» و «گلابه از «تسریت و انحصارطلبی» قرار دارد. ما که این بحث را با این دوستان گوشه ای،

در دفاع...

بقیه از صفحه ۱ که اگر این کار با چشم باز انجام گیرد.

این دیگر واقعیتی است و همه آشکارا می بینند که امروزه همه مخالفان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران - از بقایای طبقات غارتگر طاغوتی گرفته تا عمال مکوم و نیمه مکسوف آمریکا، از ساواکیهای نقابدار گرفته تا مکتوبیستها، تروتسکیستها، آنارشئیستها و انواع «تریبچه های پوک»، از کسانی که میخواهند قصاص دیدر تاجداران و صال ممدوم وی را از حکومت انقلاب بگیرند، تا واردگان و برکنارشدگان ضد انقلاب - آری، همه دشمنان و مخالفان رنگارنگ انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، لیرالها را به پرچم مبارزه علیه تداروم و تمیق انقلاب و به وسیله پوشش و استتار اعمال ضد انقلابی خود مبدل کرده اند. بلندگوئی بهتر از لیرالها را از کجا بیآورند، که آنچه خرد جرئت بیاض را ندارند، اینان چون سیل جاری میسازند؟! تاثر ما از تجمع ضد انقلابیون نیست، بلکه از افتادن بخشی از انقلابیون - ولو بصورت نسبی و محدود - در دام ضد انقلابیست.

آنچه تاریخ و انقلاب در انتظارش بوده و هست، اینست که: در این مرحله بسیار حساس و پر مسئولیت، که تشخیص راه درست موجب افتخار ابدی و افتادن در پرتگاه اشتباه و یا خیانت، سبب محکومیت تاریخی خواهد شد، همه نیروها و کسانی که نشانی از خلق دارند و نامی از انقلاب و مبارزه در راه توده های محروم بر خود نهاده اند، در سنگر انقلاب برای دفاع از انقلاب قرار گیرند.

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

ضد انقلاب زمینه توطئه وسیعی را در سیستان و بلوچستان آماده می کند

رد پای شاپور بختیار در سیستان و بلوچستان دیده شد. خان‌ها، ساواکی‌ها، مائوئیست‌ها و سران جمعیت‌های افغانی یا کمک سازمان امنیت پاکستان فعالیت خود را در سیستان و بلوچستان به نحو بیسابقه‌ای گسترش داده‌اند.

اشرار در آمده‌اند، ارتباط دارند... ما انتظار همه گونه ضربه خوردن از اینها را داریم

آخرین اخبار رسیده صحت نظریات استاندار و فرمانده سپاه پاسداران را تأیید می کند و خبر از گسترش فعالیت امپریالیسم و ایادی داخلی اش می کند. در سرماه گذشته یک پلیس عربستان سعودی بنام عبدالحمید مدو، فرزند رضا که با لباس بلوچی از مرز پاکستان با کمک سازمان امنیت پاکستان برای جاسوسی به سیستان آمده بود دستگیر شد.

اخبار رسیده همچنین حاکی است که ضدانقلاب با استفاده از سنن بودن اکثریت مردم سیستان و بلوچستان به تبلیغات گسترده‌ای دست زده تا با راه انداختن اختلاف بین شیعیان و مردم سنی استان و تبلیغ این دروغ که در جمهوری اسلامی ایران هیچ حقی برای مردم سنی قائل نیستند آتش جنگ سنی و شیعی را برافروزد. عامل اصلی این تبلیغات خان‌ها، ساواکی‌ها و بویژه روحانی‌های ساواکی هستند که متأسفانه هنوز افسانه نشده‌اند. از جمله کسانی که ششیدها در این زمینه فعالیت دارد «خسرو ریگی» یکی از خان‌های استان است. که بعلمت عضویت در ساواک اعتبارنامه او در مجلس رد شد.

زمینه دیگری که با استفاده از آن تحریکات وسیعی انجام میگردد مسئله ملی است. امپریالیسم وظیفه تبلیغات با استفاده از

ضدانقلاب فعالیت خود را در سیستان و بلوچستان گسترش داده و تلاش وسیعی از جانب محافل وابسته به امپریالیسم با کمک همسایگان مرتجع برای به آشوب کشیدن این استان انجام میشود. براساس اخبار رسیده از سیستان و بلوچستان، خان‌ها، فئودالها، ساواکی‌ها و سران جمعیت‌های افغانی یا کمک جاسوسان عربستان سعودی و سازمان امنیت و جاسوسی پاکستان (سی-آی-دی) دامنه فعالیت خود را گسترش داده‌اند.

استاندار سیستان و بلوچستان پس از ملاقات با امام خمینی گفت: «استان سیستان و بلوچستان یکی از مناطق بسیار حساس است و از طرفی ضدانقلاب نیز سعی بسیار کرده تا برنامه‌ای در این منطقه اجرا کند» (جمهوری اسلامی - ۴ آذر). آقای محمدی همچنین گفت: «آن چیزی که در بلوچستان تا اندازه‌ای مسئله‌ای بنام عدم امنیت بوجود آورده وجود اشرار و ضدانقلابیون است» (همانجا)

استاندار سیستان و بلوچستان همچنین در مصاحبه‌ای با تلویزیون استان در تاریخ ۱۳۵۹/۲/۱۸ بعد از شهادت ۱۱ پرسنل ژاندارمری توسط اشرار گفت:

«دشمن ما اینقدر ضعیف و زبون است که هیچوقت از روپرو با ما مواجه نمیشود و عملیاتش بصورت شرارت، بستن چاده، کشتن برادران پاسدار یا ژاندارمری و یا راندن گان تانکر و کامیون صورت می‌گیرد»

استاندار افزود: «ما این را یک مسئله کوچکی تلقی نمی‌کنیم. من مطمئن هستم و یقیناً با اطلاعاتی که در اختیار دارم می‌دانم این یک جزئی از برنامه کلی ضدانقلاب خارجی و داخلی است و مخصوصاً در این شرایط که سعی می‌کنند سر ما را در جای دیگری هم گرم نگه دارند، در این بین که دولت بعضی جنایتکار عراق در غرب مشغول قلع و قمع است و بر روی مردم بی دفاع و بی گناه بمب می‌ریزد، اینجا هم ایادی آنها، ایادی آمریکا، آن کسانی که منافشان در منطقه بخاطر افتاده و بخصوص برای اطلاع شما عرض میکنم که ما رد پای بختیار را هم در این طرف دیدیم.»

در همین مصاحبه فرمانده سپاه پاسداران سیستان و بلوچستان گفت: «کسانی که از انقلاب ضربه خورده‌اند. فئودالهای بزرگ این منطقه، خان‌ها، سرمایه‌دارها که در ارتباط با خارج هستند و بصورت

مسئله ملی را به مائوئیست‌ها و در رأس آنها «بیکار» سپرده است. همانطور که در چند شماره پیش نامه مردم، افشا کردیم، مائوئیست‌ها که اخیراً چندتن از کادرهای رهبری خود را هم به سیستان و بلوچستان برده‌اند به نحو بیسابقه‌ای برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی به تبلیغ پرداخته‌اند. آنها با پخش هزاران پوستر و عکس از وقایع کردستان چنین تبلیغ می‌کنند که جمهوری اسلامی ایران بعد از کشتار خلق سنی کردستان به سراغ خلق سنی سیستان و بلوچستان خواهد آمد! آنها جمهوری اسلامی ایران را عامل امپریالیسم می‌خوانند و از مردم میخواهند برای سرنگونی آن مسلح شوند. در این زمینه «رزمندگان»، «اقلیت چریکها»، «توفان»، «رنجبران»، «چریکهای اشرف دهقان» و دیگر تریچه‌های پوک آمریکائی یا بیکار، همکاری فعال دارند. در جوار این تبلیغات وظیفه عمده‌ای هم به رهبران امریکائی جمعیت‌های افغانی سپرده شده است. در رأس این جمعیت‌ها «برهان» - «الدین ربانی» رهبر جمعیت اسلامی افغانستان» به فعالیت مشغول است. با وجود اینکه تابستان گذشته دادستان انقلاب مشهد رسماً این جمعیت را بعلمت جاسوسی به سود آمریکا منحل اعلام کرده، دفاقر آن را بست و «برهان الدین ربانی» را تحت تعقیب قرار داد؛ این فتووال جاسوس آمریکائی آزادانه به فعالیت خود ادامه میدهد. او مرکز فعالیت خود را به زاهدان منتقل کرده و با هماهنگی دیگر سازمانهای افغانی که همگی در زاهدان دفاتر علنی و غیرعلنی دارند آزادانه به پاکستان و همچنین نقاط مختلف ایران رفت و آمد می‌کند. برهان الدین ربانی که از طرف دادستان انقلاب استان خراسان تحت تعقیب است، در استان مجاور آن، یعنی سیستان و بلوچستان آزادانه سخنرانی می‌کند، او از جمله روز ۱۹ مهرماه گذشته بعد از بازگشت از تهران در مسجد جامع زاهدان سخنرانی کرد. براساس اخبار رسیده برهان الدین ربانی زیر پوشش «اسلام» جاسوسان پاکستانی را به نقاط مختلف کشور می‌برد.

ما بار دیگر، ضمن افشای فعالیت گسترده ضدانقلاب در سیستان و بلوچستان، به مسئولان کشور هشدار می‌دهیم: امپریالیسم آمریکا زمینه توطئه وسیعی را در سیستان و بلوچستان تدارک دیده است. باید با تمام نیرو آمده بود و این توطئه را خنثی کرد.

برای ایجاد آشوب و بی ثباتی در هند: برتری طلبان چین شورشیان هندی را مسلح می‌کنند و آموزش نظامی می‌دهند

روزنامه «پاتریوت» چاپ دله‌نو، ضمن انتشار گزارش مشروحی درباره کمک چین به «تجزیه طلبان» در شمال شرقی هند نوشت: «اخیراً با تصدق از اعضاء یک سازمان زیرزمینی، که برای ایجاد یک «کشور مستقل» در ایالت ماگاند تلاش می‌کنند، برای آموزش نظامی به چین رفته‌اند.»

روزنامه پاتریوت می‌افزاید: «دلایل و شواهد غیر قابل انکاری نشان می‌دهد که اخیراً گروه‌های تجزیه طلب مقادیر زیادی سلاح از چین دریافت کرده‌اند و در ایالت‌های مرزی هند و چین، از جمله در تیت، تجزیه طلبان هندی آموزش می‌بینند. این افراد وظیفه دارند که به آشوب و بی ثباتی در ایالت‌های شمال شرقی کشور دامن بزنند.»

پاتریوت همچنین گزارش داد: «پاکستان و چین همچنین حضور نظامی خود را در مرزهای هند افزایش می‌دهند و چین موشک‌های تا برد ۱۵۰۰ مایل در مرز هند مستقر کرده است.»

توصیه سفارت آمریکا به رسانه‌های گروهی پاکستان: در پاره «مبارزان افغانی» تا می‌توانید داستان سرائی کنید!

گزارشهای رسیده از پاکستان نشان میدهد که همزمان با مخالفت روزافزون مردم نواحی مرزی این کشور با ادامه فعالیت‌های یابگاه‌های نظامی مزدوران افغانی در خاک پاکستان، رژیم دست‌نشانده شیاعالحق، بعد از مشورت با سفارت آمریکا، پیشنهادی به رسانه‌های گروهی کشور، که همگی تحت کنترل شدید چکمه‌پوشان رژیم قرار دارند، صادر کرده و در آن «توصیه» کرده است که هر چه بیشتر درباره باسلاح فتوحات «مبارزان افغانی» سر و صدا برآوردند. چند روزنامه ژاپنی ضمن انتشار این گزارش یادآور شده‌اند که بویژه داستان‌های درباره قتل‌عام در افغانستان می‌باید منتشر شود.

سفارت آمریکا در پاکستان در پی دیدار اخیر چند عضو کنگره آمریکا از اسلام‌آباد، نقش مهمتری در هدایت رسانه‌های گروهی پاکستان، بویژه در جریان‌ات مربوط به افغانستان، بعهده گرفته است.

از جانب رهبران موزامبیک و شوروی ضرورت گسترش روند تشنج‌زدائی در تمام جهان مورد تأکید قرار گرفت

در پایان دیدار رسمی سامورا ماشل رهبر موزامبیک از اتحاد شوروی، اعلامیه مشترکی انتشار یافت. در این اعلامیه دو کشور به ضرورت گسترش روند تشنج‌زدائی در تمام جهان، از جمله آفریقا اشاره کرده‌اند. دو کشور یادآور شدند که مصمم‌اند برای تبدیل آفریقا به منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای مبارزه کنند. اتحاد شوروی و موزامبیک از تمام کشورهای حوزه اقیانوس هند برای تبدیل این منطقه به منطقه صلح و امنیت حمایت کردند.

تلاش کشورهای سوسیالیستی برای نتیجه بخش کردن کنفرانس همکاری و امنیت اروپا

هیئت‌های نمایندگی کشورهای سوسیالیستی در کنفرانس همکاری و امنیت اروپا در مادرید، به تلاش‌های گسترده‌ای دست زده‌اند، تا این کنفرانس امید های مردم جهان را برآورده سازد. کشورهای سوسیالیستی خواستار بحث‌های سازنده درباره مهمترین مشکلات زمان حاضر و بالاتر از همه درباره مسائلی چون امنیت و همکاری اروپا، خلع سلاح و تحکیم تشنج‌زدائی هستند. این کشورها درباره خطر تبدیل کنفرانس مادرید به محل مقابله سیاسی هشدار می‌دهند. هاریان دوربولسکی، نماینده لهستان، گفت: «اروپا خانه ما است که در آن، چه بخواهیم و چه نخواهیم، در کنار یکدیگر زندگی می‌کنیم. بنابراین لازم است اساس و شالوده این خانه، از طریق سیاسی تحکیم شود و روند تشنج‌زدائی تقویت گردد.»

افزایش تورم و بیکاری در کشورهای بازار مشترک اروپا

اداره آمار بازار مشترک اعلام کرد که در ظرف یکسال، شمار بیکاران در کشورهای عضو بازار مشترک اروپا ۲۰٪ افزایش یافته است. اکنون بطور رسمی هفت میلیون و چهارصد هزار نفر بیکار در کشورهای این بازار وجود دارد. اما گفته می‌شود که شمار غیررسمی بیکاران بسیار بیشتر از این رقم است. اوضاع بویژه در انگلستان و دانمارک وخیم است. بیکاری بویژه در میان جوانان ایجاد فاجعه‌آزمیزی بخود گرفته است. از سوی دیگر، نرخ تورم در کشورهای بازار مشترک همچنان رو به افزایش است.



بیانیه کنگره عمومی خلق عرب: قرارداد دوستی اتحاد شوروی و سوریه مرحله کیفی جدیدی در گسترش روابط جنبش آزادیبخش عرب در کشورهای سوسیالیستی است

«دیرخانه کنگره عمومی خلق عرب، در بیانیه‌ای که در پایتخت لیبی، طرابلس، انتشار یافت، معاهده دوستی و همکاری اتحاد شوروی و جمهوری عربی سوریه را قویا مورد تأیید و استقبال قرار داد. در بیانیه از جمله گفته می‌شود: «معاهده دو کشور تحکیم وحدت نیروهای ترقیخواه عرب را در مبارزه علیه توطئه‌های امپریالیسم، صیونسم و ارتجاع و برای صلح، آزادی و استقلال اعراب، ارتقاء می‌دهد.» در قسمت دیگر این بیانیه خاطر نشان شده است:

یک روزنامه آمریکایی گزارش داد: روند عادی شدن اوضاع در افغانستان، علیرغم مداخله خارجی و جنایت و خرابکاری، ادامه دارد

شاه محمد دوست، وزیر خارجه افغانستان، بار دیگر از کشورهای همسایه خواست تا گفت و شنود را با افغانستان بیامون عادی شدن روابط آغاز کنند. وی گفت: «مذاکرات دوجانبه تنها راه حل مسائلی است که در اطراف افغانستان وجود آمده است.» شاه محمد دوست افزود: «پایان مداخله در امور داخلی افغانستان شرایط لازم را برای خروج نیروهای شوروی از خاک کشور فراهم می‌کند. افغانستان قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد را، که زیر فشار آمریکا و یکن به تصویب رسیده، رد می‌کند، زیرا در این قطعنامه اوضاع افغانستان تحریف شده است و این رای به منزله مداخله در امور داخلی کشور است.» از سوی دیگر، سردبیر نشریه آمریکائی «ورلد یویر» اعلام کرد: «روند عادی شدن اوضاع در افغانستان، علیرغم مداخله خارجی و جنایت و خرابکاری، ادامه دارد. دولت افغانستان برنامه‌های گسترده‌ای را برای بهبود زندگی مردم آغاز کرده است.» این روزنامه‌نگار آمریکایی می‌نویسد: «مردم افغانستان برای کمک اتحاد شوروی ارزش فراوان قائلند و تبلیغات رسانه‌های گروهی امپریالیستی در مورد افغانستان بر اساس است.»

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

نلمه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM
No. 380
27 November 1980

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه مردم مکاتبه کنند:
صندوق پستی ۱۴/۳۵۵۹، منطقه پستی تهران